

کنگره نوزدهم کومه له بر گزار شد!

مرداد ۱۴۰۴ - اوت ۲۰۲۵

کنگره ۱۹ کومه له - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران در روزهای جمعه، شنبه و یکشنبه ۱۰، ۱۱ و ۱۲ مرداد سال ۱۴۰۴ برابر با ۱، ۲ و ۳ اوت ۲۰۲۵ برگزار گردید. این کنگره در دو سالن (فرانکفورت - آلمان و سلیمانیه - اقلیم کردستان) و همچنین با حضور جمعی دیگر از نمایندگان کنگره که به صورت آنلاین در کنگره شرکت کرده و از طریق شبکه های اجتماعی به هم مرتبط شده بودند برگزار گردید. در این کنگره و بنا به دعوت کمیته مرکزی کومه له هیئت-هایی از جانب رفقای کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، تشکیلات کردستان اتحاد سوسیالیستی کارگری، شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان، بدیل کمونیستی عراق، کوبه‌ری پاپ‌ریوانی شورشیگر و چهره‌های مبارز چپ و سوسیالیست نیز حضور داشتند. کنگره با سرود انترناسیونال، سرود همبستگی جهانی طبقه کارگر و یک دقیقه سکوت به یاد رفقای که در فاصله دو کنگره ۱۸ و ۱۹ جان باختند و به یاد کلیه جانب‌باختگان راه آزادی و سوسیالیسم کار خود را آغاز کرد. سکوت با سرود «پهلکی داری شادی گشتین» که از جانب رفیق هادی پیرخضری اجرا گردید شکسته شد و کنگره سپس با تأیید اعتبارنامه نمایندگان و اعلام حضور قریب به اتفاق آنان در جلسه و اعلام رسمیت کنگره از جانب هیئت رئیسه منتخب، کار خود را پی گرفت.

به دنبال، رفیق حسن شمسی دبیر کمیته مرکزی کومه له با گرامیداشت یاد سه تن از جانب‌باختگان اخیر دفاع از محیط زیست در آتش سوزی بلندی های آویر سنندج، بار دیگر همدری کومه له با خانواده این عزیزان را ابراز داشت. رفیق حسن در سخنرانی افتتاحیه ضمن اشاره به بحران ساختاری نظام سرمایه داری و تلاش دولت ها و قدرتهای سرمایه داری برای کنترل این بحران و همزمانی تشدید این بحران ها با افول نقش رهبری آمریکا بر جهان و پیامدهای آن، به تداوم جنگ امپریالیستی در اوکراین و نسل کشی دولت اسرائیل علیه ملت فلسطین درغزه و مختصات دوره



پیام کنگره نوزدهم کومه له به خانواده‌ی جان‌باختگان

پیام کنگره نوزدهم کومه له به زندانیان سیاسی
و محکومیت تشدید سرکوبگری رژیم اسلامی



عامل اصلی بحران و قطعی مکرر برق
در ایران



کارزار "سه شنبه‌های نه به اعدام"
در هشتادمین هفته، حمایت از این
کارزار را هر چه بیشتر گسترش دهیم!



کشتار ۶۷ برگی از تاریخ پر از جنایت
حکومت اسلامی، جنبش دادخواهی
علیه جنایات جمهوری اسلامی
را گسترش دهیم!

مصاحبه با یکی از فعالین سوسیالیست جنبش انقلابی کردستان

۱۶ مرداد تجربه ای آموزنده در تاریخ جنبش انقلابی مردم کردستان

اطلاعیه کمیته مرکزی کومه له

در مورد جانباختن سه تن از مبارزان دفاع از محیط زیست در سنندج

لایحه ضد حقیقت و منطق جنگ دائمی جمهوری اسلامی با مردم

نقش برجسته‌ای در بسیج توده های معترض و سازمانیابی آنان در این دوره داشته باشند. حضور فعال در جنبش‌های اعتراضی کارگران، زنان، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، دانش آموزان، دانشجویان و جنبش دفاع از محیط زیست و تلاش برای ایجاد کمیته‌ها، شوراها و دیگر نهادهای توده ای در محلات شهرها و روستاها، این امکان را فراهم می آورد که با سست شدن پایه‌های حاکمیت رژیم در کردستان و عقب نشینی آن، زنان و مردان متشکل در شوراها و نهادهای حاکمیت توده ای کنترل اوضاع و اداره و مدیریت جامعه را در دست بگیرند و نگذارند، احزاب ناسیونالیست از بالای سر توده های کارگر و زحمتکش و مردم ستمدیده کردستان حکومت را در دستار خود قبضه کنند. در همین بخش از مباحث با اشاره به این واقعیت که اکنون چند جریان مختلف در کردستان تحت نام کومه‌له فعالیت می کنند و از آنجا که رسانه‌های بورژوازی جریان یا جریان‌هایی را به عنوان کومه‌له به افکار عمومی معرفی می کنند که بیش از دو دهه است از تمام بنیادهای فکری و سنت های انقلابی و پیشرو کومه‌له فاصله گرفته اند و این واقعیت به اعتبار و موقعیت اجتماعی کومه‌له به عنوان یک جریان کمونیستی و مدافع پیگیر منافع کارگران و زحمتکشان در کردستان لطمه زده است، یکی از مهمترین وظایف کومه‌له در این دوره بازسازی موقعیت و اعتبار اجتماعی کومه‌له به عنوان یک جریان کمونیستی است. فعالین کومه‌له در شهرهای کردستان با قرار گرفتن در رهبری جنبش‌های اعتراضی و اجتماعی و با ایفای نقش سازمانگرا می توانند نقش مهمی در انجام این وظیفه بر عهده بگیرند.

مسئله ملی کرد، موقعیت احزاب ناسیونالیست و وظایف کومه‌له یکی دیگر از اسناد ارائه شده به کنگره بود که در همین دستور جلسه مورد بحث و بررسی قرار گرفت. آخرین تحولات در بخش های مختلف کردستان، مسئله ملی کرد را همچنان به یک مسئله عینی و ایژکتیو و در همان حال حل نشده، به مؤلفه ای غیر قابل انکاری در تبیین اوضاع خاورمیانه تبدیل کرده است. در این شرایط کمونیست ها و کومه‌له بطور مشخص در ادامه فعالیت ها و نقشی که تاکنون ایفا کرده اند، باید از زاویه منافع کارگران و زحمتکشان و مردم ستمدیده کردستان برای حل این مسئله اجتماعی و پایان دادن به ستمگری ملی برنامه و استراتژی سیاسی روشن و پراتیکی فعال داشته و نگذارند مسئله کرد به ابزاری بده و بستان احزاب و نیروهای ناسیونالیست برای سهم‌بری از قدرت و به وسیله‌ای در دست قدرتهای منطقه ای و جهانی برای پیشبرد نقشه های منطقه‌ای آنها تبدیل گردد. روند عینی اوضاع گویای این واقعیت است تحولات اقتصادی و اجتماعی که در سطح جهان و

کشورهای منطقه و مشخصا کشورهایی که

اوضاع بحرانی عراق، بهره برداری حوثی ها در یمن از موقعیت ژئوپلیتیک این کشور و برای ناامن کردن خطوط کشتیرانی در این منطقه و بمباران مواضع آنان از جانب آمریکا، بریتانیا و اسرائیل، آخرین تحولات سوریه بعد از سقوط رژیم بشار اسد و موقعیت جدیدی که جنبش کردستان سوریه در آن قرار گرفته است، تداوم و تشدید بحران اقتصادی و سیاسی در ترکیه و تشدید سیاستهای سرکوبگرانه و توسعه طلبانه دولت اردوغان، تصمیم پ.ک.ک به خلع سلاح و انحلال این حزب زیر فشار دولت حاکم و پیامدهای آن بر اوضاع ترکیه و منطقه از جمله محورهایی بودند که در این گزارش به آنها پرداخته شد و مورد بحث قرار گرفتند.



از دیگر محورهای دستور جلسه اول، گزارشی از اوضاع سیاسی ایران، کردستان و وظایف کومه‌له بود که از جانب یکی دیگر از رفقای کمیسیون تدارک کنگره ارائه گردید. در این گزارش ضمن ارائه تصویری عمومی از موقعیت کنونی رژیم جمهوری اسلامی و پیامد جنگ و کشمکش آن با اسرائیل و آمریکا و قدرت‌های اروپایی بر سر برنامه‌های هسته‌ای و نقش آن در کانون‌های بحران خاورمیانه، در پرتو ارزیابی از جنبش ژینا و حضور گسترده و پرشور مردم کردستان در این جنبش انقلابی به طور مفصل‌تر به موقعیت جنبش انقلابی کردستان، جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی و چشم‌انداز سازمانیابی و پیشروی این جنبش‌ها پرداخته شد و بر ضرورت گسترش این جنبش‌ها تأکید گردید. رئوس ارزیابی از اپوزیسیون بورژوازی ایران، موقعیت احزاب ناسیونالیست در کردستان و موقعیت جنبش چپ و کمونیستی در ایران و جایگاه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان از دیگر محورهای این بخش از گزارش سیاسی بودند. در بخش آخر این گزارش تحت عنوان وظایف کومه‌له در کردستان ضمن برشمردن اهم وظایف کومه‌له در این دوره، به اهمیت حیاتی برانگیختن و گسترش جنبش‌های اعتراضی و اجتماعی در کردستان و نقش فعالین کومه‌له در محل در برانگیختن، دامن زدن و کمک به سازمانیابی این جنبش‌ها تأکید شد. رهبران و فعالان کومه‌له که بر متن جنبش‌ها و فعالیت‌های تائکونونی پرورده شده‌اند، می توانند

گذار کنونی در خاورمیانه پرداخت. این بحرانها و اوضاع پر تلاطم جهان همزمان با رشد جریان‌های راست افراطی و نفو فاشیستی، زمینه عینی را برای گسترش اعتراضات کارگری و دیگر جنبش‌های پیشرو اجتماعی علیه تبعیض‌های نژادی و جنسیتی، علیه جنگ و نسل کشی دولت اسرائیل و در دفاع از محیط زیست در آمریکا و اروپا و سراسر دنیا فراهم آورده است. در این سخنان با اشاره به بحران‌های عمیق اقتصادی و اجتماعی، ژئوپلیتیکی و بحران مشروعیت رژیم جمهوری اسلامی و پیامدها و تأثیرات جنگ دوازده روزه بر موقعیت آن و تشدید نزاع و کشمکش درون حکومت، بر ضرورت تداوم و گسترش جنبش‌های اجتماعی و اعتراضی در سراسر ایران تأکید گردید. در این سخنان با توجه به نقش و جایگاه جنبش انقلابی ژینا در تحولات سیاسی ایران، این واقعیت مورد تأکید قرار گرفت که چگونه مردم کردستان با حضور گسترده و پرشور خود در این جنبش انقلابی و سراسری برای به زیر کشیدن رژیم جمهوری اسلامی، در ابعاد اجتماعی استراتژی جریان‌های ناسیونالیست مبتنی بر دل بستن به دخالت قدرت های خارجی و یا امید بستن به مذاکره و دیالوگ با رژیم اسلامی را به چالش کشیدند. در آخر سخنان بر اهمیت دامن‌زدن به جنبش‌های اعتراضی و اجتماعی در کردستان و اهمیت کار و فعالیت سازمانگرا و بازسازی اعتبار اجتماعی کومه‌له بر متن این فعالیت‌ها تأکید شد.

در ادامه کار کنگره نمایندگان هیأت های حاضر از جانب احزاب و سازمانها، با ایراد سخنرانی و یا قرائت پیامهای خود ضمن آرزوی موفقیت برای کنگره و تأکید بر ضرورت ارتقا همکاری‌های تائکونونی، انتظارات خودشان را از کنگره نوزدهم و کومه‌له در این دوره پرتحول سیاسی در ایران و کردستان ابراز داشتند که با استقبال گرم شرکت کنندگان در کنگره روبرو شدند.

بعد از استماع پیام ها، کنگره نوزدهم کومه‌له وارد دستور کار خود شد. ارائه و بررسی گزارش‌های سیاسی و تشکیلاتی و اسناد پیشنهادی کمیته مرکزی کومه‌له یکی از دستور جلسات اصلی کنگره بود. در این بخش یکی از اعضای کمیسیون تدارک کنگره گزارش اوضاع خاورمیانه در پرتو اوضاع جهانی را به کنگره ارائه داد. در این گزارش ضمن اشاره به مهمترین تحولات جهان در سه سال اخیر به طور مشروح تر به اوضاع عمومی خاورمیانه و در این میان به شکست استراتژی منطقه‌ای رژیم جمهوری اسلامی و فروپاشی نیروهای «محور مقاومت»، نسل کشی دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین در نوار غزه و پیامدهای آن، اوضاع لبنان بعد از تهاجم ارتش اسرائیل و ضربات سنگینی که به حزب الله وارد آمد،

جهان امروز

نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یک بار منتشر می شود!

زیر نظر هیئت تحریریه

سردبیر: هلمت احمدیان

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

ha@cpiran.org

- * جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می کند.
- * استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.
- * مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.
- * جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می رسد.
- * مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه ۴×۶ با سایز ۱۲ است.

تماس با
کمیته تشکیلات دلال کشور
حزب کمونیست ایران

hvefaalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

009647710286193
0046760854015
004799895674
00436601195907

تماس با کمیته تشکیلات
دلال شهرها

komite.shahrha@gmail.com

از کاستی ها انتقاد به عمل آمد و پیشنهادات و راهکارهایی برای پیشبرد و ارتقای فعالیت ارگانهای مختلف از جانب نمایندگان کنگره ارائه گردید.

در مبحث مربوط به رسیدگی به قرار و قطعنامه ها، قطعنامه پیشنهادی کمیته مرکزی کومهله «علیه نسل کشی دولت اسرائیل در غزه، علیه کوچ اجباری و در همبستگی با مردم ستمدیده فلسطین» مورد بحث قرار گرفت و با اکثریت قریب به اتفاق اعضای کنگره به تصویب رسید. در این مبحث همچنین قراری به تصویب رسید که به موجب آن کمیته مرکزی کومهله موظف گردید که ببنای حقوق زن مصوب کنگره دهم کومهله بر اساس متنی که در اختیار کنگره قرار گرفته بود به روز شده و منتشر گردد. بر اساس قراری دیگر کمیته مرکزی کومهله موظف گردید که گزارش های سیاسی و اسناد مصوب کنگره را بر مبنای مبحث کنگره تدقیق و طی یک ماه آینده آماده انتشار نماید. همچنین تصمیم گرفته شد که پیامهایی از جانب کنگره خطاب به خانواده جانباختگان و زندانیان سیاسی آماده و منتشر گردد.

آخرین دستور جلسه کنگره انتخاب اعضای کمیته مرکزی کومهله بود. در این بخش نیز بعد از بحث حول کلیات مبحث مربوط به انتخابات، از میان رفقایی که خود را برای عضویت در کمیته مرکزی کاندید کرده بودند، ۲۳ نفر به عنوان عضو کمیته مرکزی کومهله انتخاب شدند که عبارتند از رفقا: خسرو بوکانی، زانیار بوکانی، رئوف پرستار، زانکو خدری، فرزاد عارفی، رحیم عزیزپور، مسعود عظیمی، رشید رزاقی، سه رکه وت رستم گرگی، ناصر زمانی، دلیر سفیدی، حبیب سلطانی، علی شاهکار، حسن شمسی، محمود قهرمانی، محمد کمالی، اختر کمانگر، صلاح مازوجی، جلال محمد نژاد، گوهر معمارزاده، پدram نصراللهی، مرضیه نظری و لقمان ویسی.

کنگره ۱۹ کومهله پس از سه شبانه روز کار فشرده، با سخنان اختتامیه یکی از رفقای هیئت رئیسه، قدردانی از زحمات مجموعه رفقایی که در بخش تدارک تشکیلاتی و فنی زحمت کشیده بودند و با تأکید بر جهت گیری های اصلی کنگره و وظایف و چشم انداز فعالیت کومهله در دوره آتی، با سرود انترناسیونال، در میان شور و شوق و شادی شرکت کنندگان با موفقیت به کار خود پایان داد.

کمیته مرکزی کومهله

سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

۱۴ مرداد ۱۴۰۴

۵ اوت ۲۰۲۵



با مسئله کرد روبرو هستند به وقوع پیوسته است، موقعیت جنبش ناسیونالیستی در این کشورها و به تبع آن بر موقعیت احزابی که از دل این جنبش و سنت بیرون آمده اند تأثیر گذاشته است. سیاست کارگری و سوسیالیستی برای پایان دادن به ستمگری ملی و حل مسئله کرد باید این تحولات را مد نظر قرار دهد. از آنجا که ظرفیت و رسالت تاریخی طبقه بورژوا و صاحبان ثروت در کردستان و به تبع آن احزاب و نیروهای ناسیونالیست برای دمکراتیزه کردن جامعه و رفع ستمگری ملی مدتهاست به پایان رسیده است. اکنون این رسالت تاریخی و ریشه کن کردن تبعیض ها و نابرابری ها و از جمله پایان دادن به رفع ستمگری ملی به شیوه ای دمکراتیک بر دوش طبقه کارگر و سوسیالیست ها که بر بستر مبارزه این طبقه با فعالیت خود ادامه می دهند افتاده است. نظر به آنکه تنها با مشارکت کارگران و زحمتکشانشان و همه احاد مردم کردستان در مدیریت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه است که مسئله ملی به شیوه دمکراتیک و در جهت منافع کارگران و زحمتکشانشان و مردم ستمدیده کردستان حل می شود و به ستمگری ملی پایان داده می شود، کومهله همزمان با تأکید بر حق تعیین سرنوشت مردم کردستان، بر حاکمیت شورایی مردم کردستان پافشاری می کند. کومهله با توجه به ماهیت طبقاتی و ارتجاعی دولت آمریکا و دیگر قدرت های سرمایه داری جهانی و حکومت های سرمایه داری منطقه و دخالتگری آنها در کانون های بحران خاورمیانه و نقشی که در ویرانی شهرها، کشتار و آواره و بی سرپناه کردن مردم ستم دیده این منطقه داشته اند، هرگونه امید بستن و دست به دامان شدن احزاب و نیروهای ناسیونالیست و اسلامی به دخالت این قدرت ها و وارد شدن به ائتلاف های سیاسی در این راستا را در ضدیت با منافع مردم کردستان می داند و برای خنثی کردن پیامد زیانبار آن بر جنبش انقلابی مردم کردستان از هیچ تلاشی مسئولانه دریغ نمی کند.

بعد از آنکه گزارش های سیاسی و اسناد ارائه شده مورد بحث و بررسی قرار گرفتند و کلیات آنها با اکثریت قریب به اتفاق آراء تصویب شدند، کنگره نوزدهم کومهله به گزارش کار و فعالیت بخشهای مختلف تشکیلات کومهله پرداخت. در این مورد نیز یکی از رفقای عضو کمیسیون تدارک کنگره نوزدهم گزارشی از عرصه های مختلف فعالیت کومهله در فاصله دو کنگره ارائه داد. در این بخش از مباحث فعالیت تشکیلات شهرهای کردستان، سایت کومهله و شبکه های اجتماعی، فعالیت کومهله در شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان، موقعیت و فعالیت رفقای کردستان، تلویزیون کومهله، نمایندگی کومهله در خارج از کشور، نشریه پیشرو و امور مالی مورد بحث و بررسی قرار گرفتند.

پیام کنگره‌ی نوزدهم کومه له به خانواده‌ی جان‌باختگان

خانواده‌ی سرفراز جان‌باختگان!

درودهای گرم و صمیمانه‌ی ما را از کنگره‌ی ۱۹ کومه‌له - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران پذیرا باشید. خوشحالیم از این‌که برگزاری موفقیت‌آمیز کنگره‌ی ۱۹ کومه‌له را همراه با تهنیت قلبی به اطلاع شما عزیزان می‌رسانیم. این بار نیز کنگره‌ی ۱۹ کومه‌له را با اعلام یک دقیقه سکوت جهت گرامی‌داشت یاد و خاطره‌ی جگرگوشه‌گان و عزیزان جان‌باخته‌مان



و سرود (پهلکی داری شادی گشتین، نیوه هرگیز نامرن) آغاز کردیم. عزیزی که در میدان‌های نبرد مسلحانه علیه رژیم جنایت‌کار جمهوری اسلامی در کردستان؛ در جریان خیزش‌های توده‌ای علیه رژیم جمهوری اسلامی در سراسر ایران؛ در سیاه‌چال‌ها تحت شکنجه و یا بر بالای چوبه‌ی دار جان باختند؛ انسان‌های شریف و زحمتکشی که برای تأمین یک لقمه نان گام در جاده‌ی مرگ کولبری نهادند و مورد اصابت گلوله‌ی مزدوران رژیم اسلامی قرار گرفتند؛ عزیزی که علیه ستم و نابرابری، علیه اختناق و دیکتاتوری جمهوری اسلامی نبردکنان به مصاف دشمنان طبقاتی کارگران و توده‌های مردم زحمتکش رفتند و در راه رهایی آنان و در راه آزادی و سوسیالیسم جان خود را فدا کردند. کنگره‌ی ۱۹ کومه‌له به تک‌تک اعضای خانواده‌های داغدار همه‌ی عزیزان جان‌باخته درود می‌فرستد و در مقابل صبر و تحمل از دست‌دادن جگرگوشه‌گان دل‌نشان، سر تعظیم فرود می‌آورد. این استقامت و ایستادگی امید به تغییر و دگرگونی را دل توده‌ها زنده نگه داشته است.

خانواده‌های گرامی جان‌باختگان صفوف حزب کمونیست ایران و کومه‌له!

عزیزان جان‌باخته که فرزند دل‌بند شما و رفیق و همسنگر ما بودند، در راه رهایی کارگران و زحمتکشان جانباختند و فراموش‌نشده هستند. خانواده‌ی جان‌باختگان کومه‌له در نزد همه‌ی انسان‌های آزادی‌خواه و برابری‌طلب جامعه، گرامی و قابل احترام هستند. در این کنگره بار دیگر با رفقای جان‌باخته و با شما خانواده‌های گرامی پیمان تازه کردیم که هم‌چنان ادامه‌دهنده‌ی راه سرخ و پرافتخارشان باشیم. در تلاش خواهیم بود همراه

کارگران و توده‌های مردم تهیدست و مبارز جامعه تا سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی سرمایه‌داری و بنانهادن نظمی جدید که در آن انسان‌ها از قیدوبند بردگی و استثمار رها شده و آزادی و برابری و رفاه آنان تأمین گردد، از پای نشینیم. این همان راهی است که جگرگوشه‌گان دل‌بند شما در آن قدم نهادند و برای آن از جان خود نیز گذشتند.

خانواده‌های عزیز جان‌باختگان، امسال کنگره‌ی ۱۹ کومه‌له را در شرایطی برگزار کردیم که حکومت جنایت‌کار جمهوری اسلامی در اوج ذلت و ضعف و زبونی قرار دارد. رژیم جمهوری اسلامی با بحران‌های عمیق اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، و بحران در استراتژی منطقه‌ای دست به گریبان است و توانایی حل هیچ‌یک از این بحران‌ها را ندارد. در حالی که رهبران و مسئولان سپاه پاسداران و دستگاه فاسد روحانیت، آقازاده‌ها و اعوان و انصارشان از راه دزدی و رانت‌خواری به ثروت‌های کلان صدها میلیون دلاری دست یافته‌اند، گرانی، بیکاری، فقر و گرسنگی زندگی و معیشت کارگران و دیگر توده‌های زحمتکش را به فلاکت کشانده است. از سوی دیگر حکومت اسلامی همه‌ی امکانات جامعه و حاصل رنج و کار کارگران و مردم زحمتکش را صرف پیشبرد سیاست‌ها و استراتژی بقای خود کرده است.

در چنین شرایطی گرچه جنبش‌های اعتراضی اجتماعی و در پیشاپیش آن‌ها جنبش کارگری موجود و زنده و در حال گسترش هستند، اما عدم وجود تشکل‌های طبقاتی و توده‌ای کارگران و دیگر اقشار جامعه، این فرصت را برای حکومت ورشکسته‌ی اسلامی فراهم کرده که هم‌چنان به حیات نکبت‌بار خود ادامه دهد. کنگره‌ی ۱۹ کومه‌له با در نظر گرفتن چنین شرایطی بر وجود زمینه‌های مناسب فعالیت، جهت گسترش جنبش‌های اعتراضی و اجتماعی و اهمیت کار سازمان‌گرانه‌ی فعالان کومه‌له در شهرهای کردستان تأکید به عمل آورد.

ما شرکت‌کننده‌گان در کنگره‌ی ۱۹ کومه‌له با آرزوی موفقیت و پیروزی مبارزات کارگران و دیگر جنبش‌های اجتماعی بر حکومت جمهوری اسلامی، بار دیگر به شما خانواده‌ی عزیز جان‌باختگان درود می‌فرستیم و برایتان آرزوی موفقیت و کامیابی می‌نمائیم.

کنگروه‌ی نوزدهم کومه‌له

سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

مرداد ۱۴۰۴

اوت ۲۰۲۵



پیام کنگره نوزدهم کومه له

به زندانیان سیاسی

و محکومیت تشدید سرکوبگری رژیم اسلامی

رفقای دربند! زندانیان سیاسی مبارز!

گرمترین درودهای ما نثار شما عزیزان و عزم واراده راسخ و مقاومت قهرمانانه تان در درون سیاه‌چال‌های رژیم قرون وسطایی اسلامی باد.

کنگروه نوزدهم کومه له در شرایطی برگزار شد که کارزار شکوهمند و پیگیرانه شما تحت عنوان "سه شنبه های نه به اعدام" هشتادمین هفته خود را در ۴۸ زندان ایران سپری کرد و این نشان‌دهنده عزم واراده پولادین شما در مبارزه با یکی از نمادهای بربریت نظام سرمایه داری اسلامی یعنی مجازات "اعدام" است. کنگره نوزدهم کومه له ضمن تأکید بر برچیدن تمام اشکال جنایتکارانه ستاندن جان انسانها به هر بهانه ای، بر عزم انقلابی شما در ادامه این مبارزه پرشور درود می‌فرستد و دست شما را به گرمی می‌فشارد. مقاومت جانانه شما و اعلام مواضعتان در محکومیت اقدامات جنایتکارانه حاکمیت سرمایه داری اسلامی و مبارزات شما در داخل زندانها، به یکی از نمادهای مهم مقاومت و مخالفت عمومی در ایران بر علیه مناسبات موجود تبدیل شده است و در تقویت فضای مبارزاتی جامعه علیه استبداد و سرکوبگری نقش ویژه ای را به خود اختصاص داده است.

رفقای مبارز!

جامعه ایران در شرایطی قرار دارد که جمهوری اسلامی بدنبال شکستهای پی در پی در ابعاد جهانی و منطقه ای و داخل کشور و شکست استراتژی جنگ بازدارنده و از دست دادن بخش زیادی از نیروهای نیابتی اش و بویژه پس از جنگ ارتجاعی دوازده روزه با اسرائیل و آمریکا، اقدام به تشدید سرکوبگری و موج بازداشتها و زندان و شکنجه و توسل به صدور احکام سنگین از جمله احکام شنیع اعدام بر علیه مبارزین و فعالین سیاسی کرده است. رژیم اسلامی در اثنا این جنگ ارتجاعی و پس از پایان جنگ هم با میلیتاریزه کردن فضای کل کشور به بهانه واهی جاسوس اسرائیل، اقدامات سرکوبگرانه خود را افزایش داده و در همین مدت تعداد زیادی از مبارزین و فعالین سیاسی را بازداشت و احکام اعدام تعداد زیادی از زندانیان عادی و سیاسی را به اجرا گذاشته است.



۱۶ مرداد تجربه ای آموزنده در تاریخ جنبش انقلابی مردم کردستان

کردن اقدامات سرکوبگرانه رژیم، خواهان تحقق خواست های خود شدند که عبارت بود از: معرفی و مجازات آمران و عاملان جنایات انجام گرفته، آزادی فوری دستگیر شدگان و توقف کشتار در کردستان. جمهوری اسلامی در پاسخ به این مطالبات حق طلبانه، نیروهای سرکوبگر و به شدت تقویت شده را به جان مردم انداخت.



این مبارزات گرچه مطالبات روشنی داشت، اما به طور پراکنده در شهرهای مختلف کردستان به جنگ و گریز خیابانی به حرکتی پر تلفات تبدیل شده بود. در شهر سقز افراد مسلح رژیم بر روی مردم تظاهرکننده آتش گشودند، عده ای جان باختند و شمار زیادی زخمی شدند. رهبری کومه له که از همان روز هیجدهم تیر ماه روند اوضاع در شهرهای کردستان را تعقیب می کرد، با شناختی که از حساسیت اوضاع داشت تمام هم و دلمشغولی اش این بود که با چه اقدامی و اتخاذ چه تاکتیکی جلو این روند که می توانست به یأس و سرخوردگی مردم منجر شود را بگیرد و کاری کند که مردم در پایان یک دوره از مبارزه و رودرویی با نیروهای دشمن نه تنها مأیوس نشوند بلکه احساس همبستگی و غرور و پیروزی کنند.

آن لحظه فرا رسید که می بایست قدرت مردم مبارز در یک حرکت سازمانیافته و هماهنگ به دشمن نشان داد. کومه له - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران، در اعتراض به رفتار وحشیانه رژیم، روز ۱۶ مرداد سال ۱۳۸۴ را بعنوان روز اعتصاب عمومی در سراسر کردستان اعلام کرد. رهبری کومه له اعتصاب عمومی را در شرایطی که شهرهای کردستان شدیداً میلیتاریزه بودند مناسب ترین شکل ابراز این اتحاد و همبستگی می دانست. در تعیین زمان اعتصاب عمومی دو فاکتور اساسی در نظر گرفته شد، یکی اینکه نمی بایست از وقایع شهرهای کردستان زیاد فاصله بگیریم، دوم اینکه فرصت کافی برای به راه انداختن یک کمپین

۱۶ مرداد سال ۱۳۸۴ در جنبش انقلابی مردم کردستان روزی تاریخی و بیاد ماندنی است. روزی که در آن مردم کردستان با فراخوان کومه له در اعتراض به جنایات رژیم جمهوری اسلامی در سراسر کردستان، متحد و یکپارچه دست به یک اعتصاب عمومی باشکوه زدند. اینک ۲۰ سال از آن روز تاریخی می گذرد که در آن جنبش انقلابی کردستان نشان داد می تواند نیروهای سرکوب رژیم جهل و خرافه سرمایه داری اسلامی را زمین گیر کند. نشان داد که جنبش انقلابی کردستان همچنان با قدرت به پیکار و مبارزه برای تحقق اهداف و مطالبات خود ادامه می دهد. زمینه های شکل گیری این حرکت تاریخی چه بود و چگونه تدارک دیده شد؟

غروب روز ۱۸ تیرماه آن سال نیروهای امنیتی رژیم جمهوری اسلامی یکی از جوانان مبارزان شهر مهاباد به نام "کمال اسفرام" معروف به "شوانه سید قادری" را به قصد دستگیری مورد تعقیب قرار دادند. آنان پس از ناتوانی در دستگیری "شوانه" وی را به رگبار گلوله بستند و زخمی کردند. دژخیمان این جوان زخمی را گرفتند، شکنجه دادند و به قتل رساندند. قصد آنان از این عمل ددمنشانه، مرعوب ساختن مردم بود، اما مردم مبارز شهر مهاباد نه تنها مرعوب نشدند، بلکه به محض مطلع شدن از این جنایت رژیم، در مقابل منزل این جوان مبارز تجمع کردند، با خانواده وی همدردی کردند و نفرت خود از رژیم را نشان دادند. روزهای ۱۹ و ۲۰ تیرماه مردم معترض مهاباد و به ویژه زنان و مردان جوان با تظاهرات خیابانی و سردادن شعارهای ضد رژیمی به سرکوبگران نشان دادند که اعمال جنایتکارانه آنان بی پاسخ نخواهد ماند.

روز ۲۱ تیرماه تظاهرات دامنه وسیع تری پیدا کرد و یورش نیروهای سرکوبگر رژیم با مقاومت و مقابله رزمندگان شهر مهاباد مواجه گردید. نیروهای سرکوبگر رژیم از زمین و هوا مردم را مورد یورش قرار دادند. مردم مبارز مهاباد با آنان به مقابله برخاستند و در این درگیری ۵۰ نفر از تظاهرکنندگان دستگیر شدند. روز ۲۲ تیر ماه مردم برای نشان دادن خشم و اعتراض خود نسبت به رفتار خشونت آمیز حکومت و میلیتاریزه کردن شهر، ضمن ادامه تظاهرات، مغازه ها را بستند و مراکز کار را تعطیل کردند. اعتراض و تظاهرات توده ای مردم مهاباد در ادامه خود به دیگر شهرهای کردستان سرایت کرد. مردم مبارز و جوانان انقلابی در شهرهای اشنویه، پیرانشهر، بانه، سقز، سردشت، میوان، سنندج، دیواندره و بوکان به تظاهرات و اعتراضات پرداختند و با محکوم

بر همگان واضح است که هدف اصلی رژیم جمهوری اسلامی از تشدید فضای سرکوب و امنیتی، مقابله با مبارزات گسترده و فراگیر طبقه کارگر و دیگر جنبش های اجتماعی و توده های محروم و ستمدیده مردم ایران و کردستان و ترس و هراسی است که سرتاپای حاکمیت بورژوازی اسلامی را فراگرفته است. رژیم اسلامی ناتوان از حل بحرانهای ساختاری و لاپوشانی کردن ضعف های آشکار نهادهای امنیتی اش و به بهانه جاسوسی



برای رژیم اسرائیل، مردم ناراضی و معترض به وضع موجود را هدف قرارداده و به منظور جلوگیری از وقوع خیزشهای اجتماعی که این رژیم را تهدید میکند، این اقدامات را گسترش داده است. موج سرکوبگری و دستگیریهای فعالین و مردم مبارز در کردستان در همین مدت افزایش چشمگیری داشته و به وضوح ترس و هراس رژیم را از وجود پتانسیل عظیم علیه حاکمیت در کردستان را بروز داده است.

کنگره نوزدهم کومه له - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران ضمن محکومیت قاطع سرکوبگریهای رژیم اسلامی، بار دیگر بر عزم و اراده پولادین و مقاومت شما زندانیان سیاسی دربند و خانواده های زجر دیده تان درود میفرستد و ضمن همبستگی با خانواده های شما عزیزان خود را موظف به دفاع و پشتیبانی از شما دانسته و مردم مبارز را به گسترش حمایت از زندانیان سیاسی و خانواده های آنان به منظور مقابله با اقدامات سرکوبگرانه رژیم و آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی فرا میخواند.

**زندانی سیاسی آزاد باید گردد
مجازات اعدام لغو باید گردد**

کنگره نوزدهم کومه له
سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

مرداد ۱۴۰۴
اوت ۲۰۲۵

اطلاعیه کمیته مرکزی کومه له در مورد جانباختن سه تن از مبارزان دفاع از محیط زیست در سنندج

بر اساس گزارش های رسیده صبح روز دو شنبه ۶ مرداد خبات امینی و شب گذشته چیاکو یوسفی نژاد از مبارزان دفاع از محیط زیست که در جریان تلاش برای مهار آتش سوزی گسترده در ارتفاعات آبدار سنندج در روز پنج شنبه مصدوم شده بودند، جان خود را از دست دادند. روز جمعه سوم مرداد نیز حمید مرادی از فعالان این عرصه و از دیگر مصدومان این آتش سوزی جان باخت. سایر مصدومان همچنان در بخش مراقبت های ویژه بیمارستان کوثر تحت درمان هستند.



حمید، خبات و چیاکو از جمله جوانان مبارز و پرشوری بودند که در راه اهداف خود و آرمان های اجتماعی والایی که داشتند، در راه دفاع و حفاظت از محیط زیست از جان خود دریغ نکردند. مردم مبارز سنندج در این روزها که غم و اندوهی فراوان بر فضای شهر سایه افکنده است، با حضور گسترده در مراسم خاکسپاری این عزیزان و ایراد سخنرانی های پرشور ضمن ابراز همبستگی و همدردی عمیق خود با خانواده این جانباختگان و گرامیداشت یاد این عزیزان، اوج نفرت و انزجار خود را از رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی نشان دادند. مردم آگاه و مبارز سنندج می دانند که این رژیم جمهوری اسلامی است که فرزندان آنان را با دستان خالی در محاصره شعله های آتش رها کرده است. در جریان این آتش سوزی علاوه بر جانباختن سه تن از جوانان مبارز سنندج ۲۰ هکتار از اراضی طعمه حریق شده است. این اولین بار نیست که در کردستان جنگل ها و مراتع عمومی طعمه شعله های آتش می شوند و در جریان تلاش برای مهار این آتش سوزی ها فعالان دفاع از محیط زیست قربانی می گردند. رژیم جمهوری اسلامی که صدها میلیارد دلار از ثروت های جامعه و حاصل رنج و کار کارگران و زحمتکشان را به برنامه های هسته ای و تأمین گروه های ارتجاع اسلامی در منطقه و دخالتگری

به اعتصاب پیوستند. در شهرهای نقده و ارومیه نیز بخش قابل توجهی از مردم شهر در اعتصاب عمومی شرکت نمودند.

این اعتصاب پیروز و شکوهمند به عنوان یک روز تاریخی در حیات سیاسی مردم مبارز کردستان ثبت گردید. ۱۶ مرداد به تاریخ جنبش انقلابی کردستان پیوست. این اعتصاب بار دیگر نشان داد علیرغم تمام جنایات و توطئه های جمهوری اسلامی، اراده مردم در مقابله با رژیم محکم تر و صفوف آنان متحدتر گشته است. پیروزی این اعتصاب که ریشه در چند دهه مبارزه ملامال از فداکاری مردم داشت، در نتیجه یک ماه مبارزه پیگیرانه مبارزین شهر مهاباد و سایر شهرهای کردستان متحقق گردید. رژیم در مانده در مقابل قدرت متحد توده های مردم، روز بعد از اعتصاب عمومی ریاکارانه هیئتی از اعضای مجلس اسلامی خود را روانه شهرهای کردستان کرد تا به اصطلاح از مردم دلجویی کنند. اعضای هیئت مذکور بدون توجه به خواست و مطالبات مردم با کمک یاهو گوئی های امامان جمعه و فرمانداران شهرها تلاش کردند مردم را فریب دهند اما حاصلی نداشت.

درس های این اعتصاب عمومی به تجارب پر بار توده های ستمدیده برای تداوم جنبش انقلابی کردستان افزوده شد. با استفاده از این درس و تجربه غنی بود که مردم مبارز کردستان در اعتراض به اعدام فرزاد کمانگر و یارانش، یکبار دیگر اعتصاب شکوهمند ۲۳ اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۹ را برپا داشتند. این سنت مبارزاتی ارزشمند، روز ۲۱ شهریور سال ۱۳۹۷ در یک اعتصاب عمومی قاطعانه، نیرومند و یکپارچه بکار گرفته شد و مردم مبارز در سراسر مناطق کردنشین غرب ایران در اعتراض به اعدام جنایتکارانه رامین حسین پناهی، زانیار و لقمان مرادی و موشک باران مقر مرکزی حزب دموکرات کردستان، اعتصاب عمومی شکوهمند دیگری را برپا نمودند. مردم مبارز کردستان بعد از قتل دولتی ژینا امینی در ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ و آغاز خیزش سراسری بارها تاکتیک اعتصاب عمومی را به اعتراضات خیابانی در هم آمیختند و صحنه های باشکوهی از اتحاد و همبستگی و ایستادگی و شجاعت در مقابله با تعرض نیروهای سرکوبگر را از خود نشان دادند.

تاکتیک اعتصاب عمومی و سراسری و تلفیق آن با اعتراضات خیابانی به ویژه در شرایط کنونی که اعتصابات کارگری و اعتراضات در سراسر ایران حکومت اسلامی سرمایه داران را تحت فشار قرار داده، می تواند تجربه و آزمونی با ارزش در راستای ارتقای مبارزات جاری کارگران و توده های به جان آمده و معترض باشد

تبلیغی و سازماندهی این حرکت تاریخی را در اختیار داشته باشیم. فراخوان کومه له روز ۱۱ مرداد طی اطلاعیه ای به اطلاع عموم مردم کردستان رسید. در آن اطلاعیه پس از اشاره ای کوتاه به چند هفته مبارزه قهرمانانه مردم کردستان در مقابل سرکوبگران جمهوری اسلامی، خواست های مردم به صورت زیر جمع بندی شده بود: معرفی و مجازات آمران و عاملان جنایات اخیر در شهر مهاباد و دیگر شهرهای کردستان؛

آزادی فوری و بدون قید و شرط همه دستگیر شدگان؛ عادی کردن فضای شهرها و بازگرداندن نیروهای سرکوبگر به مراکز خویش؛ به رسمیت شناختن حقوق مردم برای تظاهرات در جهت تحقق خواست های مذکور؛

اعلام فراخوان عمومی به اعتصاب به سرعت در شهرهای کردستان انعکاس پیدا کرد. سه روز قبل از اعتصاب عمومی دهها و شاید صدها هزار نسخه از فراخوان های کومه له و اوراق تبلیغی مربوط به فراخوان اعتصاب عمومی در سطح شهرهای کردستان پخش شدند. در جریان پخش فراخوان ها و اوراق تبلیغی زانیار آشیان جوان پرشور سنندجی مورد اصابت گلوله دژخیمان سرمایه قرار گرفت و جان باخت و نامش برای همیشه با ۱۶ مرداد و تاریخ مبارزه مردمی ستمدیده عجین شد. توان سازماندهی و حجم تبلیغاتی که در این چند روزه انجام گرفت صرفاً با ظرفیت، وسعت و دامنه تشکیلات کومه له در داخل شهرها قابل توضیح نبود. واقعیت این بود کومه له در شرایطی به یک ضرورت سیاسی و به نیاز مبارزه توده های مردم کردستان پاسخ داده بود که احزاب و نیروهای سیاسی دیگر حتی از درک آن نیز عاجز مانده بودند و همین واقعیت بود که نیروی توده های مردم کردستان را در ابعاد اجتماعی به حرکت درآورد.

همزمان نیروهای رژیم برای ممانعت از تحقق این اعتصاب عمومی اقدامات تهدیدآمیز و پیشگیرانه خود را آغاز کردند. احزاب و جریان های ناسیونالیست نیز از هیچ اقدامی در محل برای جلوگیری از پیروزی اعتصاب کوتاهی نکردند، در مقابل احزاب و سازمانهای موجود در جنبش کمونیستی ایران از این فراخوان حمایت کردند. اما علیرغم تهدیدات رژیم و کارشکنی جریان های ناسیونالیست، روز ۱۶ مرداد مردم مبارز کردستان با بستن کارگاهها و تعطیل ساختن ادارات، مغازه ها، مدارس و سایر مراکز کار، کردستان را به اعتصاب عمومی سراسری کشاندند. مردم معترض در شهرهای مهاباد، سقز، بوکان، سنندج، اشنویه، پیرانشهر، بانه، سردشت، ریط، میوان، کامیاران و دیواندره و شهرها و شهرک ها و مناطق روستایی دیگر کردستان به صورتی گسترده

پیام همدردی و همبستگی "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست" با خانواده جانباختگان آتش سوزی "آبیدر" و مردم سنندج!

و مراتع، همه و همه سیاست‌هایی است که جمهوری اسلامی با اهداف مشخص به پیش برده است و در این میان علیرغم سرکوب‌های سیستماتیک رژیم، جوانان مبارز با آگاهی و جسارتی به سازماندهی خود برای حفظ محیط زیست دست زده اند.

حمید مرادی، چپ‌کو یوسفی‌نژاد و خبات امینی از جمله جوانان مبارز با آرمان‌های والای اجتماعی و انسانی در راه حفاظت از محیط زیست جانانشان را فدا کردند. حضور گسترده مردم شهر سنندج در مراسم خاکسپاری آنها در سه روز گذشته نشان‌دهنده همبستگی و همدردی با خانواده این عزیزان و اعتراض و نفرت از بی‌مسئولیتی نهادهای رژیم در قبال این سوانح زیست محیطی بود. فرصت طلبی بانیان این فاجعه، یعنی رژیم جمهوری اسلامی که دو روز "عزای عمومی" را برای خاموش کردن خشم و نفرت مردم فراخوان داده، محکوم و مردود است.

"شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست" ضمن تسلیت به خانواده عزیزان جانباخته و مردم شهر سنندج، بی‌کفایتی نهادهای حکومتی را در تخریب محیط زیست محکوم می‌کند و مردم آزادیخواه را فرا می‌خواند که همبستگی خود را به هر شکل ممکن ابراز داشته و یاد جانباختگان این فاجعه را گرامی بدارند.

گرامی باد یاد حمید مرادی، چپ‌کو یوسفی‌نژاد و خبات امینی

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری

جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

دوشنبه ۶ مرداد ۱۴۰۴ برابر با ۲۸ ژوئیه ۲۰۲۵

امضاها: اتحاد سوسیالیستی کارگری

حزب کمونیست ایران

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

سازمان راه کارگر

سازمان فدائیان (اقلیت)

هسته اقلیت

روز پنج شنبه ۲۴ ژوئیه ۲۰۲۵ برابر با ۲ مرداد ماه ۱۴۰۴ در جریان آتش سوزی کوه "آبیدر" شهر سنندج، بر اثر غفلت و بی‌توجهی مسئولین دولتی، فعالان زیست محیطی در کمال شهامت و از خود گذشتگی برای خاموش کردن آتش شتافتند، اما متأسفانه سه تن از آنها به اسامی حمید مرادی، چپ‌کو یوسفی‌نژاد و خبات امینی جان خود را از دست دادند.

آتش گرفتن "آبیدر" و تخریب‌های محیط زیستی که غالباً از جانب جمهوری اسلامی اعمال می‌شود یک امر اتفاقی نیست، بلکه سیاستی سیستماتیک است که دهه‌هاست جمهوری اسلامی به اشکال مختلف آنرا به پیش برده و در سال‌های اخیر، زمین‌خواری گسترده، سندسازهای مشکوک، توسط تعاونی‌ها، نهادهای نظامی، انتظامی و امنیتی، شتابی بی‌سابقه گرفته است. آتش سوزی "آبیدر" در ادامه همین سیاست‌هاست و کردستان که از یکی از پرآب‌ترین



و حاصل خیزترین مناطق ایران هست، قربانی اجرای برنامه‌های ویژه‌ی حاکمیت است.

بر اساس گزارش‌های منابع مطلع، این سیاست‌ها، از آتش سوزی گرفته تا قطع درختان و ایجاد اختلال در زیست بوم حیوانات، استخراج بی‌رویه معادن، انتقال زباله‌ها و فاضلاب‌های سمی به کردستان، بی‌تدبیری و بی‌توجهی به بحران آب و معضل خشکسالی، نبود زیر ساخت‌های پایدار، نابودی گونه‌های جانوری و نداشتن برنامه برای بازیافت و انرژی پاک گرفته تا سرکوب بی‌امان فعالین زیست محیطی و عدم آموزش‌های همگانی برای حفظ محیط زیست و جلوگیری از فاجعه‌هایی مانند آتش سوزی در جنگل

در کانون‌های بحران منطقه اختصاص می‌دهد، با عدم اختصاص بودجه و امکانات و تجهیزات لازم برای مقابله با این آتش سوزی‌ها و تخریب طبیعت عملاً شرایط وقوع این فجایع طبیعی و انسانی را فراهم آورده است.

از سوی دیگر برخورد سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی به فعالان محیط زیست طی چهار دهه گذشته نیز بیانگر سیاست‌های ضد انسانی حکومت اسلامی در تخریب محیط زیست بوده است. طی سالهای متمادی رژیم اسلامی برای بسیاری از این



انسانهای شریف و فداکار به جرم حمایت از محیط زیست، بدون هیچ سند و مدرکی و به بهانه‌های واهی، پرونده‌های امنیتی تشکیل داده و برایشان احکام سنگین زندان صادر کرده است. تعدادی از آنان را نیز در توطئه‌هایی از بین برده است. شریف باجور از فعال محیط زیست و عضو هیئت مدیره "انجمن سبز چپا" در میوان که سالها توسط نیروهای امنیتی سرکوبگر جمهوری اسلامی به جرم فعالیت برای حفظ محیط زیست بازداشت و مورد شکنجه و اذیت و آزار قرار گرفت، سرانجام در سال ۹۷، همراه امید کهنه پوشی، رحمت حکیمی و محمد پژوهی در جریان تلاش برای خاموش کردن آتش سوزی در جنگلهای میوان به طرز مشکوکی جان باختند. از اینرو باید برای فعالان دفاع از محیط زیست به تجربه هم روشن شده باشد که رژیم جمهوری اسلامی عامل اصلی تخریب محیط زیست است و دفاع و حفاظت از محیط زیست مستقیماً از مسیر مبارزه با این رژیم جنایتکار می‌گذرد.

کومه له جانباختن حمید مرادی، چپ‌کو یوسفی‌نژاد و خبات امینی این مبارزان پرشور و آزاده را به خانواده این عزیزان و به مردم مبارز سنندج و به همه مردم کردستان و سراسر ایران تسلیت می‌گوید و خود را در غم و اندوه از دست دادن این عزیزان شریک می‌داند.

کمیته مرکزی کومه له
سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

۶ مرداد ۱۴۰۴

۲۸ جولای ۲۰۲۵

مصاحبه با یکی از فعالین سوسیالیست جنبش انقلابی کردستان (بخش دوم)

کوچکی از قدرت بسنده کنند و برای حفظ سیستم سرمایه داری به سرکوب کارگران در کردستان اقدام کنند.

اهمیت این موضوع در آن است که بعدها مجبور نیست در روند رشد مبارزات و در برخورد با تند پیچ‌های سیاسی به این یا آن نیروی خارجی باج بدهد، مجبور نیست دست به جراحی و خانه تکانی در صفوف خود بزند یا ناچار به شراکت با نیروهای بورژوازی شود و اهداف و مصالح طبقه‌ی کارگر را در این راه قربانی کند. رسالت جنبش انقلابی این است که مردم کردستان را از زیر نفوذ استراتژی‌ها و سیاست‌های جریان‌ات بورژوا- ناسیونالیست بیرون بیاورد و همزمان آلترناتیو انقلاب از پایین را تقویت می‌کند.

نیروی محرکه‌ی اصلی جنبش انقلابی کردستان بر پایه‌ی مبارزات طبقه‌ی کارگر، مزدبگیران و زحمت‌کشان روستاها و حاشیه‌ی شهر و زنان ستمدیده استوار است و مبارزه علیه هر گونه ستم و سرکوب و استثمار را با هدف دستیابی به آزادی و برابری و حق تعیین سرنوشت خلق کورد در دستور کار قرار داده است. ماهیت استراتژی جنبش انقلابی با اهداف اصلی این جنبش یعنی پایان دادن به ستم‌های چندگانه‌ی طبقاتی، ملی و جنسیتی و کسب حقوق و آزادی‌های دموکراتیک فردی و جمعی تناسب و همخوانی دارد. برنامه‌ی کومه‌له برای حاکمیت شورایی مردم و ایجاد ارگانهای توده‌ای حکمرانی مستقیم اکثریت مردم زحمتکش کردستان در مقابل استراتژی‌های بورژوازی مانند فدرالیسم و تقسیم و ایجاد قدرت سیاسی از بالای سر توده‌ها یا همان حاکمیت احزاب قرار می‌گیرد.

جنبش انقلابی کردستان نه با پیروزی در یک میدان دچار غرور و سرمستی شده، نه بر اثر شکست‌های مقطعی اسیر سرخوردگی شده است. این جنبش در هیچ دوره‌ای دچار تسلیم و هزیمت نشده، هیچ سنگری را بدون مقاومت جانانه واگذار نکرده و با اتکا به تاکتیک دوگام به پیش و یک گام به پس سنگر به سنگر به جلو حرکت کرده است. استراتژی رادیکال مقاومت و مبارزه‌ی اردوی کار و زحمت رمز پیشروی جنبش انقلابی است.

جنبش انقلابی کردستان برای تحقق این

هم‌پیمانی با جریان‌ات شوونیسم سلطنت طلب و اپوزسیون نئولیبرال که یکپارچگی سرزمینی، حفظ تمامیت ارضی و کلید واژه‌ی تجزیه طلبی را به اسم رمز سرکوب حقوق پایه‌ای مردم کردستان تبدیل کرده‌اند و در نهایت با سیاست تحریک و بسیج توده‌ها حول تعصبات قومی، ملی و مذهبی و ایجاد تفرقه و دشمنی در بین مردم زوایه دارد. در مقابل سیاست مسئولانه‌ی استراتژی جنبش انقلابی کردستان اتحاد طبقاتی با جنبش انقلابی زنان و کارگران و نیروهای چپ و دموکراتیک در سطح سراسری و تقویت همبستگی و احساس همسرنوشتی ملیت‌های تحت ستم است. استراتژی دیگر جنبش انقلابی این است که اجازه ندهد جریان‌ات بورژوازی با تقلیل اهداف و مطالبات مردم کردستان و از هم اکنون برای کنترل امواج جنبش انقلابی مردم کردستان نقشه بکشند و در دوره‌های مختلف فرصت طلبانه با رژیم اسلامی سازش و معامله کنند. اگر یکی از استراتژی‌های سیاسی اپوزسیون بورژوا- ناسیونالیست کردستان دخیل بستن به تحریم‌های امپریالیستی است، استراتژی جنبش انقلابی دفاع از کارگران و مزدبگیران در برابر تبعات زیانبار تحریم‌های اقتصادی است. واقعیت این است که تحریم‌های جنایتکارانه‌ی آمریکا بیش از همه به کوچکتر شدن سفره‌ی کارگران و دشوار شدن زندگی زحمتکشان ختم شده است، در مقابل کانالها و کریدورهای تجاری و درآمدی جدیدی برای برخی از جناح‌های حکومتی رژیم اسلامی فراهم کرده است، رانت و فساد اقتصادی را در رهبری و بدنه‌ی نظام سیاسی گسترش داده و منجر به برآمدن قشری از حکومتیان به نام کاسبان تحریم شده است. در عین حال طبقه‌ی کارگر و اکثریت مردم زحمتکش ایران و کردستان نمی‌خواهند آینده‌شان را زیر غوغای جت‌ها و هواپیماهای جنگی، بر روی خرابه‌های جنگ یا در نتیجه‌ی کودتا و انقلاب‌های رنگی بسازند. یکی دیگر از خصوصیات مهم جنبش انقلابی کردستان این است که از همان روز نخست بر روی پا خود ایستاده است، یعنی هرگز به حمایت دولت‌های خارجی پشت نبسته است و از همان روز اول با شعار «نه به امپریالیسم خارجی، نه به استبداد داخلی»، با افکار و عقاید مذهبی، ناسیونالیستی و غیر انقلابی نیز تعیین تکلیف کرده است. البته جریان‌ات بورژوا- ناسیونالیستی در جنبش کردستان طرفداران سرنگونی جمهوری اسلامی بوسیله امپریالیسم امریکا و اسرائیل هستند و با ماندگاری احتمالی جمهوری اسلامی حاضرند درسایه اش به سهم

توضیح: این مصاحبه از طرف یکی از سوسیالیست‌های شیلیایی برای درج در نشریه "آمریکای شورشی" با یکی از رفقای کومه‌له در داخل کشور از طریق "دفتر بین‌المللی حزب کمونیست ایران" صورت گرفته است. این مصاحبه در چند سر تیر جداگانه به جنبش انقلابی کردستان و نقش کومه‌له در این جنبش معطوف است. در شماره قبل بخش اول این مصاحبه درج شد و در این شماره بخش دوم آن درج می‌شود و بقیه به شماره بعد واگذار می‌شود. مصاحبه شونده توضیح داده که پاسخ به سئوالات از طرف او در شرایط امنیتی و مشکلات عدیده‌ی زندگی در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی صورت گرفته و به همین دلیل او برای پاسخگویی با کمبودهایی مواجه بوده است. از جمله اینکه زمان کافی و امکان واقعی برای مطالعات و تحقیقات گسترده و دقیق برایش وجود نداشته و علاوه بر آن از دسترسی به آمار و ارقام و اطلاعات لازم محروم بوده است چون در یک جامعه‌ی استبدادی که سرکوب‌های همه‌جانبه وجود دارد، پژوهش‌گران و فعالین سیاسی نمی‌توانند آن طور که دوست دارند از ظرفیت‌ها و توانایی‌های فردی و جمعی برای تحلیل شرایط و توضیح مسائل اجتماعی و تاریخی بهره ببرند.

استراتژی و تاکتیک

سئوال: عناصر اصلی استراتژی و تاکتیک جنبش انقلابی کردستان چیست؟ چگونه پیش می‌رود و مبارزه مسلحانه و جنگ مردمی چه نقشی دارد؟

پاسخ: اجازه دهید حرف آخر را همین اول بزنم، استراتژی اصلی جنبش انقلابی کردستان سرنگونی انقلابی رژیم سرمایه‌داری و به پیروزی رساندن انقلاب کارگری با اتکا به مبارزات سازمانیافته‌ی کارگران و زحمت‌کشان و تحت رهبری سوسیالیست‌های متشکل در یک حزب پیشرو سیاسی است. اما یکی از راههای آنکه دقیق‌تر توضیح بدهیم که استراتژی جنبش انقلابی کدام است این است که بگوییم استراتژی جنبش انقلابی کدام نیست، یا به عبارتی دیگر کدام استراتژی‌های سیاسی موجود در چهارچوب استراتژی جنبش انقلابی کردستان جای نمی‌گیرند. استراتژی جنبش انقلابی با سیاست ترویج چشم‌انتظاری و ایجاد توهم نسبت به جریان اصلاح‌طلبان حکومتی، با استراتژی سیاسی



استراتژی در دوره‌های مختلف تاکتیک‌های گوناگونی در پیش گرفته است. مقاومت مسلحانه‌ی توده‌ای یکی از این تاکتیک‌ها است که از همان ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ و فتوای جهاد خمینی علیه مردم کردستان و با شعار «ما جنگ نمی‌خواهیم، اما مردم کردستان همزمن با استفاده از تاکتیک‌های مبارزه‌ی توده‌ای همچون کوچ تاریخی مردم شهر مریوان و راهپیمایی حمایتی مردم شهر سقز و سنندج و دیگر شهرها و روستاهای کردستان تلاش کردند مانع جنگ تحمیلی پاسداران سرمایه و اشغالگران رژیم اسلامی شوند یا لاقال این جنگ را به عقب بیاورند و ابعادش را کاهش دهند. این در حالی بود که ضد انقلاب حاکم به چیزی کمتر از تسلیم نیروهای انقلابی رضایت نمی‌داد. مبارزه‌ی مسلحانه و مقاومت مردم کردستان در ادامه‌ی همین جنگ ضد انقلاب علیه سنگرهای تسخیر نشده پا به عرصه گذاشت و از ضرورت دفاع از حقوق دموکراتیک و آرمان‌های انقلاب نشأت می‌گرفت. در این استراتژی ظرفیت‌های مبارزات مسلحانه‌ی مردم کردستان نه در خدمت اهداف ماجراجویانه و فرقه‌گرایانه‌ی احزاب و گروه‌های سیاسی مختلف، بلکه در راستای تقویت و تداوم جنبش انقلابی توده‌ها بکار گرفته می‌شود و در تبعیت از پاسخگویی به نیازهای سیاسی گسترش و پیشرفت نهضت‌های انقلابی حرکت می‌کند.

سؤال: نظر شما در مورد کنفدرالیسم دموکراتیک پیشنهادی اوجلان که دیگر به دنبال ساختن جامعه سوسیالیستی نیست چیست؟

پاسخ: عبدالله اوجلان از فوریه‌ی سال ۱۹۹۹ و در نتیجه‌ی یک توطئه و تباری جهانی دستگیر شده و هم اکنون توسط رژیم فاشیستی ترکیه در جزیره‌ی امرالی زندانی است. از آنجا که در ادامه به نقد افکار و آرای وی می‌پردازم لازم است قبل از هر سخن دیگری از حق آزادی بی قید و شرط ایشان دفاع کرد. عبدالله اوجلان که توسط طرفدارانش "سهرؤک ناپو" خوانده می‌شود، رهبر و تنوریسین اصلی حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) است. این حزب در آغاز با جهان‌بینی مارکسیسم-لنینیسم تاسیس شد و در کنگره‌های اول (۱۹۷۸) تا پنجم (۱۹۹۵) کنگره‌ها و جلسات حزبی را با پرچم سرخ، آرم داس و چکش و عکس‌های مارکس و لنین و انگلس برگزار می‌کرد اما از اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ و پس سقوط دیوار برلین و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی یک چرخش فکری و سیاسی آشکار در افکار اوجلان و رهبری پ.ک.ک. پدید آمد و در آن زمان تشکیل کشور کردستان واحد آمیخته به ایدئولوژی ناسیونالیستی به آرمان اصلی اوجلان و حزب متبوعش تبدیل شد. اوجلان ادعا

می‌کند که به لحاظ علمی از افکار مارکس گسست کرده و می‌خواهد همچنان از زاویه‌ی نقد نظام سرمایه‌داری و مدرنیته‌ی کاپیتالیستی نقص‌ها و کاستی‌های مارکسیسم و سوسیالیسم واقعا موجود را برطرف کند. به همین منظور ایده‌ی کنفدرالیسم دموکراتیک را بر پایه‌ی نظامی سیاسی-اجتماعی فرموله کرد که بر همزیستی مسالمت‌آمیز هویت‌های گوناگون ملی و فرهنگی، دموکراسی مستقیم و خودگردانی محلی، برابری جنسیتی و محافظت از طبیعت بنا شده است. تلاش نظری اوجلان این است که تضادهای اساسی زندگی اجتماعی و تمدن بشری را با تعمق فکری در تاریخ و فرهنگ خاورمیانه مخصوصا با پیشاهنگی ملت کورد برطرف نمایند.

اما در حقیقت خصلت طبقاتی و استراتژی سیاسی واقعی پ.ک.ک همزیستی و سازش و شراکت با دولت سرمایه‌داری "آک پارتی" با شعار کمک به ایجاد فرایند دموکراسی در ترکیه و خاورمیانه است. علاوه بر آنکه اصل مبارزه‌ی طبقات آشتی‌ناپذیر و ضرورت لغو مالکیت خصوصی بر ابزار تولید از جهان‌بینی و آرمان‌های اوجلان زدوده شده، استراتژی سیاسی پ.ک.ک برای دستیابی به اهداف دموکراتیک نیز با ماهیت استبدادی و سرکوبگر رژیم حاکم بر ترکیه تضادهای اساسی و حل‌ناپذیری دارد. در حال حاضر با رخت بستن فنودالیسم و تفوق کاپیتالیسم در جهان، نه رفرمیسم کنفدرالیسم دموکراتیک و نه حتی انقلاب‌های بورژوا-دموکراتیک قادر به حل تکالیف دموکراتیک (رفع ستم ملی و جنسیتی، تامین حقوق و آزادی‌های فردی و جمعی) نیستند. تحقق واقعی اهداف دموکراتیک در کشورهای استبدادی همچون ایران و ترکیه بیش از هر زمان دیگری به تامین تکالیف ضد سرمایه‌دارانه گره خورده است و از مسیر مبارزات رادیکال طبقه‌ی کارگر به ثمر می‌نشیند. اما برای توضیح ایده‌ی کنفدرالیسم دموکراتیک که بعد از تجدیدنظر در مارکسیسم فرموله شد، لازم است به نقد و بررسی نظرات اوجلان بپردازیم.

در طرح رفرمیستی دموکراتیزه کردن اقتصاد اندیشه‌های آنارشستی اوجلان بر محور اخلاقی کردن بازار آزاد و مهار حرص و طمع افراد سرمایه‌دار می‌چرخد و صحبتی از تغییرات ریشه‌ای در روابط اجتماعی مبتنی بر سرمایه و نظام تولیدی و ساختار اقتصادی و اجتماعی کاپیتالیسم به میان نمی‌آید. در این سیستم آنارشستی ضمن آنکه تخیل بازگشت به گذشته و حرکت وارونه‌ی سرمایه‌ی بزرگ به سمت سرمایه‌ی کوچک و متوسط آرزو می‌شود، تولید در مزارع و کارخانه‌جات مجزا توسط تعاونی‌ها خودمختار و مستقل کارگری مدیریت می‌گردد اما رقابت و روابط این واحدهای تولیدی با هم، در سطح کلان و در بازار آزاد صورت گرفته و نیروی کار نیز همچنان مانند یک کالا مبادله می‌شود؛ ماحصل این مدل در فقدان یک برنامه‌ریزی اقتصادی کلان توسط دولت سوسیالیستی به شکل اجتناب‌ناپذیری باز تولیدی نظم سرمایه‌داری خواهد بود.

در نهایت اوجلان که بیش از همه تحت تاثیر موری "بوکچین" آنارشست آمریکایی است، منشأ همه‌ی مشکلات تاریخ بشری را دولت معرفی می‌کند و در رد نظرات مارکس و انگلس اعلام می‌کند دولت برآمده از نظام طبقاتی و روابط تولید و اجتماعی آن نیست، بلکه نوعی انحراف از مسیر اصلی و ذات تمدن و جامعه‌ی انسانی است که از حس قدرت‌طلبی ناشی می‌شود. به این ترتیب همه‌ی انواع دولت‌های سرمایه‌داری، فاشیستی، فنودالی و سوسیالیستی را به یکسان ناقض آزادی بشر می‌داند اما معتقد است که به جای سرنگونی دولت بورژوازی باید از طریق تقویت نهادها و سنت‌های دموکراتیک و با تبعیت از الگوی دموکراسی



مستقیم یا همان کنفدرالیسم دمکراتیک، دولت سرمایه‌داری را مضمحل و جامعه را از دولت بی‌نیاز کرد. اما این دمکراسی مستقیم مورد نظر اوجلان که ادعای فراطبقه‌ای بودن دارد، در واقع شکلی از دمکراسی بورژوازی را نمایندگی می‌کند.

از نظر وی کنفدرالیسم دمکراتیک سیستمی غیر دولتی است برای تجدید ساختار، اصلاح و همزیستی با دولت‌های مترجع ایران و ترکیه؛ که در نتیجه‌ی آگاه شدن مردم از مضرات دولت همچنین اقناع سران دولت‌های حاکم به محاسن و نقاط مثبت دمکراسی کنفدرال شرایط زوال دولت همچون یک نهاد خبیث و بد ذات را فراهم می‌کند.

سیستم انتخاباتی و دمکراسی مستقیم مورد نظر اوجلان در فرم دولت و چگونگی نمایندگی جامعه رفرمی‌هایی ایجاد می‌کند اما ماهیت و محتوای طبقه‌ای و اجتماعی دولت سرمایه‌داری و ماشین دولتی طبقه‌ی حاکم دست نخورده باقی می‌ماند. در این فرم از دولت پرداختن به سیاست فقط در انحصار الیت و سیاستمداران حرفه‌ای باقی نمی‌ماند و زنان و مردان کارگر و زحمتکش در حیات سیاسی اجتماع فعالانه مشارکت می‌کنند، اما در صورتیکه این دخالتگری توده‌ها با اتکا به استراتژی انقلابی طبقه‌ی کارگر در خدمت رهایی نوع بشر از چنگال استثمار و رفع ستم‌ها و تبعیض‌های اجتماعی نباشد؛ این مدل دولتی نیز نتیجه‌ای جز بازتولید نظم سرمایه‌داری و ابقای قدرت‌های امپریالیستی به دنبال نخواهد داشت. علی‌رغم انکار و سرپوش گذاشتن اوجلان بر واقعیت، مدل کنفدرالیسم دمکراتیک هم یک نوع دولت طبقه‌ای است که مانند همه‌ی اشکال دیگر دولت بورژوازی، فربیکارانه خود را نماینده‌ی همه‌ی طبقات اجتماعی معرفی می‌کند.

مشاهده می‌کنیم که تئوری کنفدرالیسم دمکراتیک اوجلان هم از لحاظ ایدئولوژیک هم از لحاظ طبقه‌ای ملغمه‌ای التقاطی است. برای مثال اگر چه حزب متبوع اوجلان پ.ک.ک یا حزب کارگران کردستان نام دارد اما این حزب در سالهای گذشته بیش از پیش سیاست‌های خود را با اهداف و دورنمای طبقه‌ی بورژوازی در کردستان هماهنگ کرده است و در عمل به هیچ عنوان منافع و مصالح کارگران کردستان را نمایندگی نمی‌کند. در این استراتژی اپورتونیستی مبارزه‌ی مردم کردستان برای حق تعیین سرنوشت جای خود را به کسب حق شهروندی و مشارکت در روند به اصطلاح دمکراتیزه کردن دولت فاشیستی ترکیه داده است. ماهیت و جهت طبقه‌ای به اصطلاح دمکراتیزه کردن دولت ترکیه هم در واقع این است که بورژوازی کورد در سوخت و ساز اداره‌ی دولتی و نظم طبقه‌ای حاکم شریک شود، متعاقباً تاکتیک پرهزینه‌ی

مبارزه‌ی مسلحانه به تابع و اهرم فشاری جهت تحقق استراتژی سازش و معامله تبدیل شده است.

علاوه بر پ.ک.ک، جریان سیاسی کۆما جفاکین کوردستان تشکلی شامل چهار حزب کوردی از چهار بخش کوردستان و سازمان‌های مرتبط با آنان است که حول اندیشه‌های عبدالله اوجلان در سال ۲۰۰۷ بوجود آمده و هدفش برقراری سیستم کنفدرالیسم دمکراتیک در سراسر کردستان است. همه‌ی این جریان‌ها با یک موضع‌گیری پوپولیستی، همزیستی طبقه‌ای استثمارگر و استثمار شونده و استحاله‌ی جنبش انقلابی در یک جنبش همه با همی را تبلیغ می‌کنند.

افکار اوجلان حامل سویه‌هایی از افکار متناقض از شیعه علوی و شور عاشورایی گرفته تا تفکرات ناسیونالیستی است. وی با نادیده گرفتن سویه‌های طبقه‌ای، ضد علم و ارتجاعی اسلام، به شکل همدلانه‌ای دین را دارای جوهره‌ی فرهنگی و اخلاقی می‌داند و طرفداران شیعه‌ی علوی را مبارزان ضد سیستم ترکیه معرفی می‌کند. این نظرات در تضاد کامل با سکولاریسم قرار می‌گیرند. انعکاس این تناقضات را در سیاست‌های عملی احزاب متبوع اوجلان و بیانیه‌های رسمی پ.ک.ک به مناسبت‌های مختلف ملی، مذهبی و جهانی مشاهده می‌کنیم. جامعه‌ی دمکراتیک و آزاد شرق کردستان (کودار) در روژهلالت نیز به تبعیت از همین سیاست پوپولیستی و تحت نام باورمندی‌های کنفدرالیسم، هم به مناسبت عید قربان و عید رمضان بیانیه می‌دهد، هم در سوگ تاسوعا و عاشورا پیام تسلیت می‌فرستد.

سؤال: مردم کرد در عراق، سوریه، ترکیه و ایران حضور دارند. در ماه‌های اخیر، پس از سرنگونی اسد، نسل‌کشی در فلسطین و غیره، چشم‌انداز به طور قابل توجهی تغییر کرده است. متعاقباً، عبدالله اوجلان خواهان انحلال پ.ک.ک و پایان دادن به مبارزه مسلحانه شد. این وضعیت چه تأثیری بر مبارزات جنبش انقلابی کردستان در ایران دارد؟

پاسخ: تحولات اخیر که در بستر جنگ‌های خونین و ضد مردمی به میان آمده، نقش‌های جدیدی برای قدرت‌های اصلی و بازیگران محلی در منطقه‌ی خاورمیانه تعریف کرده است. صهیوفاشیسم در اسرائیل که با بحران‌های عمیق داخلی و اعتراضات مردمی مواجه است، برای عبور از بحران مشروعیت و به بهانه‌ی انتقام گرفتن از حملات تروریستی حماس در ۷ اکتبر، زنان و کودکان بی‌دفاع فلسطین را به خاک و خون کشید و اهداف توسعه‌طلبانه و

جنایتکارانه‌ی خود را از مسیر نسل‌کشی در غزه و کشتار وحشیانه در لبنان دنبال کرد. دولت نتانیاهو و دولت اردوغان به عنوان دو بازیگر اصلی و برندگان اوضاع جدید خاورمیانه در سایه‌ی جنایات جنگی به رقابت بر سر توسعه‌طلبی و تصرف خاک سوریه مشغول‌اند. با سقوط رژیم بعث در سوریه محور مقاومت و عمق استراتژیک رژیم جمهوری اسلامی فرو پاشید. به این ترتیب سازماندهی گروه‌های نیابتی و برافروختن جنگ بازدارنده در خارج از مرزها که جمهوری اسلامی با هدف تضمین بقای خود میلیون‌ها دلار صرف این سیاست کرد، به بن‌بست رسیده است و با شکست و نابودی این گروه‌ها اکنون جنگ به خاکریزهای داخلی نزدیک می‌شود. رژیم اسلامی بازنده‌ی اصلی این تحولات بوده است و ناچار است برای حفظ حاکمیت خود از ماجراجویی دست بکشد، در مقابل دولت ترامپ زانو بزند و جام زهر دیگری بنوشد. به این اعتبار با تضعیف جمهوری اسلامی در منطقه، می‌توان انتظار داشت که جنبش انقلابی کردستان در کنار تهدیدهایی که همیشه وجود داشته است فرصت‌های جدیدی برای پیشروی به دست بیاورد.

این تحولات نشان می‌دهد که سرنوشت مردم زحمتکش در خاورمیانه در میان آتش و خون نوشته می‌شود. درسی که این رویدادها برای جنبش حق‌طلبانه‌ی مردم کردستان دارد آن است که هرگز نمی‌توان به فاشیسم شیعی، سنی، یهودی و قدرت‌های جنگ‌طلب سرمایه‌داری دلخوش کرد و تامین توازن قوای واقعی تنها فاکتور قابل اعتماد است. جنبش‌های انقلابی تنها با اتکا به نیروی لایزال توده‌های کارگر و زحمتکش می‌تواند به پیروزی برسد. اما این اتفاقات علاوه بر درس‌هایی که دارد، نتایجی هم به دنبال داشته و جنبش خلق کرد را با فرصت‌ها و تهدیدات نوینی روبرو کرده است. با سقوط رژیم بشار اسد، در تنگنا قرار گرفتن حزب‌الله لبنان و کوتاه شدن دست رژیم اسلامی از مرزهای این کشورها، تحولات پ.ک.ک کاهش یافته است. از طرف دیگر استراتژی جنگ پارتیزانی حزب کارگران کردستان به بن‌بست رسیده است. بر متن این بحران‌های اقتصادی و سیاسی، اوجلان و رهبری پ.ک.ک نیز تا اندازه‌ی زیادی مجاب شده‌اند که استراتژی سیاسی خود را تغییر دهند و به راهبرد حزب برابری و دمکراتیک خلق‌ها (دم پارتی) نزدیک شوند. پ.ک.ک اگر چه با نام حزب کارگران کردستان فعالیت می‌کند اما در عمل همواره با سازماندهی توده‌ای و سوسیالیستی طبقه‌ی کارگر فاصله داشته است و اکنون آشکارتر از گذشته می‌بینیم که به دلیل همین بی‌ربط بودن سیاست‌هایش با

اهداف و مصالح کارگران و زحمت‌کشان



کردستان نمی‌تواند جنبش انقلابی کردستان سوریه را نمایندگی کند. در شرایط کنونی پ.ک.ک همسو با دم پارتی هر چه بیشتر خود را با اهداف و نیازهای طبقه‌ی سرمایه‌دار در کردستان ترکیه وفق می‌دهد و از این رو حل مسئله‌ی ملی را با رفرم‌های ناچیز سیاسی، فرهنگی، اداری و کسب قدرت محلی از طریق مکانیزم انتخابات پارلمانی و در چهارچوب نظام استبدادی حاکم تاخت می‌زند. پاشیدن بذر خوشبینی و توهم‌پراکنی نسبت به مذاکره با دولت عدالت توسعه ریشه در چنین اوضاع و احوالی دارد. این در حالی است که دولت آک پارتی همچنان به سرکوبگری‌ها و تداوم سیاست پان‌ترکیستی و نئوعثمانی خود ادامه داده، بگیر و ببند فعالین سیاسی و روزنامه نگاران و برکنار کردن شهردارهایی که از طریق پروسه قانونی و با رأی مردم انتخاب شده‌اند تداوم داشته و حتی صلاح الدین دیمیرتاش رهبر حزب قانونی دم پارتی هنوز در زندان بسر می‌برد. پ.ک.ک از تامين حداقل‌های شرایط مذاکره و تضمین سرنوشت هزار گریلا ناتوان است. به همین دلیل به جرات می‌توان گفت که پیام «آشتی و جامعه دمکراتیک» اوجالان و فرمان خلع سلاح و انحلال پ.ک.ک و استقبال رهبری پ.ک.ک از این پیام با اظهار امیدواری برای آزادی اوجالان غیر از تسلیم شدن بی قید و شرط در مقابل اقتدارگرایی نئوعثمانیستی آپکارتی و حزب حرکت ملی معنای دیگری ندارد. پیام صلح و آشتی اوجالان در بین آن بخش از کارگران ناآگاه و توده‌های ستم‌دیده‌ای که به سیاست‌های پ.ک.ک توهم داشته‌اند موجب یاس و سرخوردگی می‌شود. حزب حیات آزاد کردستان (پژاک) نیز همین سیاست‌های پ.ک.ک را در کردستان ایران پیاده می‌کند و در سالهای گذشته بارها عشق یکطرفه و چراغ سبز خود را به رژیم جمهوری اسلامی نشان داده است.

چند سال پیش احزاب بورژوا-ناسیونالیست در کردستان ایران هم از طریق سازمان نوروژی نوروپ با مقامات رده پایین جمهوری اسلامی نشست داشتند. معاملات پنهانی برای بالا رفتن از نردبان قدرت و به حراج گذاشتن حقوق اساسی مردم کردستان را تحت نام صلح طلبی و مسالمت‌جویی توجیه کردند تا با این اسم رمز برای بندوبست با رژیم‌ها دیکتاتوری سرمایه و معامله از بالای سر مردم کردستان حقانیت بخرند. مجموعه‌ی این واقعیات در صورتیکه با آگاهگری همراه باشد می‌تواند به تحول عمیقی در هوشیاری سیاسی مردم کردستان منجر شود. در واقع مثبت یا منفی بودن تأثیرات این سیاست پ.ک.ک به نقش تبلیغاتی و آگاه‌گرایی‌های جریانات انقلابی و غیرانقلابی بستگی دارد. وظیفه‌ای که وضعیت جدید بر دوش کمونیست‌ها و انقلابیون کردستان

می‌گذارد این است که تأثیرات منفی این سیاست‌های سازشکارانه را خنثی کنند و با سازماندهی عملی، جنبش انقلابی را هر چه نیرومندتر از این تند پیچ حساس عبور دهند.

سؤال: فراخوان اوجالان چه تأثیری بر استراتژی جنبش انقلابی کردستان و سازمان‌ها و مبارزات خلق کرد در کل دارد؟

پاسخ: در چند دهه‌ی گذشته دیده‌ایم که احزاب بورژوا-ناسیونالیست در بخش‌های مختلف کردستان از سر استیصال و ناتوانی گفتمان سازش و دیالوگ را در یک توازن قوای نامناسب و جدا از اهداف و مبارزات توده‌ی کارگر و زحمتکش پیش کشیده‌اند و چوب لای چرخ جنبش حق طلبانه‌ی مردم کردستان گذاشته‌اند، اما بنا بر ماهیت غیرانقلابی‌شان و وحشت از اینکه امواج پیشرونده‌ی انقلاب با منافع سیاسی و طبقاتی آن‌ها در تضاد قرار بگیرد حاضر نشده‌اند در راستای تقویت جنبش انقلابی کردستان قدمی بردارند و خشتی روی خشت بگذارند. لازم است پیام اوجالان را از این زاویه ببینیم. تا آنجایی که این سیاست تسلیم طلبانه بتواند احزاب و سازمان‌های خلق کرد را به استراتژی سازش با دولت‌های سرکوبگر متوهم کند و بخشا جنبش حق طلبانه‌ی مردم کردستان در بخش‌های مختلف را به بیراهه ببرد، تأثیرات بدی خواهد داشت.

یکی از اهداف اصلی دولت عدالت توسعه از کشاندن اوجالان و پ.ک.ک بر سر میز به اصطلاح مذاکره، تضعیف بحران‌های سیاسی و ایجاد شکاف در بین مبارزات مردم کردستان با مبارزات مردم معترض در سراسر ترکیه است. در یک ماه گذشته پس از بازداشت اکرم امام اوغلو، شهردار استانبول و رقیب اصلی اردوغان در انتخابات بعدی ریاست جمهوری جرقه‌ی خشم اعتراضات در شهرهای بزرگ ترکیه زده شد اما متأسفانه شهرهای کردستان به این اعتراضات نپیوستند. در چنین شرایطی اردوغان می‌خواهد پتانسیل‌های انقلابی جنبش کردستان ترکیه را خنثی کند. جنبش کردستان می‌تواند با تقویت بخش انقلابی جنبش و متحد شدن با جنبش انقلابی مردم ترکیه در سطح سراسری از این بحران سیاسی و اجتماعی اردوغان به نفع پیشبرد اهداف عادلانه و مترقی خود بهره ببرد. فراخوان اوجالان به از دست رفتن چنین فرصت‌هایی و تضعیف جنبش انقلابی کردستان در ترکیه خدمت می‌کند. دولت ترکیه در جریان سقوط رژیم اسد نیز به تجهیز و تقویت میلیشیای وابسته به خود پرداخت و از طریق این نیروها حملات گسترده‌ای علیه مبارزان روزآوا سازمان داده است. در صورت پیشبرد عملی فراخوان

اوجالان یعنی در صورتیکه پ.ک.ک منحل شود و پارتیزانها خلع سلاح شوند، دولت ترکیه با ابتکار عمل بیشتری گروههای مخالف روزآوا را در خاک سوریه تقویت می‌کند و در سرکوب این بخش از کردستان شدت عملش را افزایش می‌دهد.

در کردستان عراق نیز احزاب حاکم با دیده‌ی مثبت به این پروسه دل بسته‌اند. سران این احزاب که سهم خود را از کیک قدرت تحت لوای فدرالیسم به دست آورده‌اند و اکنون خودشان به مانعی اساسی در مسیر تحقق اهداف طبقاتی و مترقی جنبش انقلابی خلق کرد در کردستان عراق تبدیل شده‌اند، نتوانسته‌اند حتی حق تعیین سرنوشت ملت کرد در باشور را متحقق کنند و در نتیجه ستم ملی در این بخش از کردستان همچون استخوان لای زخم باقی مانده است. سیاست‌های منفعت‌طلبانه‌ی دو حزب حاکم (اتحادیه‌ی میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق) در راستای همکاری تجاری، سیاسی و امنیتی با دولت‌های حاکم بر ایران و ترکیه قرار دارد، از این رو تأثیرات این دو حزب بر جنبش انقلابی در دیگر بخشهای کردستان نیز مخرب و زیانبار است. تلاش‌های تفرقه افکنانه در کردستان سوریه و استقبال این احزاب از پروسه‌ی به اصطلاح آشتی در کردستان ترکیه را می‌توان در همین چهارچوب ارزیابی کرد. این در حالی است که کارگران، زنان، معلمان و در کل مردم کردستان عراق در سالهای گذشته اعتراضاتی را علیه این احزاب سازمان داده‌اند. تضعیف جنبش انقلابی در دیگر بخشهای کردستان تأثیرات زیانبار خود را بر اعتراضات مردم کردستان عراق نیز برجای خواهد گذاشت.

سؤال: عناصر اصلی تاکتیک های جنبش انقلابی کرد چیست؟

پاسخ: برای پاسخ به این سوال بیش از همه به تاکتیک‌های جنبش انقلابی در کردستان ایران کردستان ایران می‌پردازم. بطور قطع در کنار ویژگی‌های هر بخش، اشتراکاتی هم در بین عناصر اصلی تاکتیک‌های جنبش انقلابی در بخش‌های مختلف کردستان وجود دارد. برای نمونه می‌توان به سازماندهی اجتماعی و تسلیح نظامی زنان و بکار گرفتن مکانیزم‌هایی برای دخالت مستقیم توده‌ها در تعیین سرنوشت سیاسی خودشان در روزآوا اشاره کرد. از اینها در کنار همزیستی و اتحاد داوطلبانه‌ی ملیت‌ها و اقلیت‌های ساکن در کانتون‌ها به عنوان دستاوردهای اجتماعی جنبش روزآوا هم اسم می‌برند. اکنون به جنبش انقلابی در کردستان ایران برگردیم.



خامنه‌ای، اعتراف به شکست در برابر دشمن و اصرار بر تداوم سیاست جنگ افروزانه!

تأکید کردند. این تبلیغات بی‌پایه خامنه‌ای اگرچه برای مصرف داخلی است، اما می‌تواند زمینه‌ساز جنگی دیگر نیز باشد. در این رابطه و در پاسخ به سخنان روز یکشنبه خامنه‌ای، کاتس وزیر دفاع جنگ طلب اسرائیل، همان روز گفت: "می‌خواهم پیام روشنی به خامنه‌ای دیکتاتور برسانم، اگر تهدید اسرائیل را ادامه دهید بازوان دراز ما دوباره با قدرت بیشتر به تهران و این بار به شخص تو هم خواهند رسید. تهدید نکنید تا آسیب نبینید." در همین رابطه روز یکشنبه پنجم مرداد ترامپ نیز در دیدار با رئیس کمیسیون اروپا، گفت: "با نتانیاهو در مورد ایران صحبت کردیم. فکر می‌کنم ایران خیلی بد صحبت کرده است."

از سوی دیگر روز یکشنبه ۵ مرداد لایحه دو فوریتی دولت پزشکیان در رابطه با "تشدید مجازات انتشار اخبار خلاف واقع"، در مجلس ارتجاع از تصویب نمایندگان گذشت. این لایحه که قبلاً از جانب دستگاه‌های امنیتی رژیم به دولت بی‌اختیار پزشکیان داده شده بود، در دولت نیز با قید دو فوریت در دستور کار قرار گرفت و تصویب شد. تصویب لایحه با قید دو فوریت در دولت و مجلس به این معنا است که بررسی آن باید در اولویت قرار گیرد و در حد اقل زمان ممکن به تصویب برسد و به اجرا گذاشته شود. ضرورت تصویب لایحه دو فوریتی "تشدید مجازات انتشار اخبار خلاف واقع" که خبرنگاران آنرا "لایحه خفقان" نامیده‌اند، از آنجا ناشی می‌شود که به دنبال حملات اسرائیل به مراکز هسته‌ای و نظامی جمهوری اسلامی، خامنه‌ای و دیگر سران رژیم تلاش کرده‌اند میزان تلفات و خسارات وارده به رژیم را کتمان و پوشیده نگهدارند. اما با انتشار اخبار واقعی از سوی خبرنگاران و مردمی که خود شاهد ماجرا بودند، دستگاه‌های امنیتی و نظامی رژیم مورد تحقیر و انتقادات بسیاری از جانب افشار متفاوت مردم قرار گرفته‌اند.

جمهوری اسلامی نگران از بازتاب این دروغ پردازیها تعداد زیادی از خبرنگاران و دیگر مردم منتقد را دستگیر کرده است. زیرا گزارش و اخبار واقعی آنان از میزان خسارات و تلفات رژیم با اراجیف خامنه‌ای در مورد پیروزی جمهوری اسلامی در جنگ و زدن سلیلی به صوت آمریکا و از پا در آوردن و له شدن اسرائیل بسیار متفاوت

علی خامنه‌ای، روز یکشنبه پنجم مرداد به مناسبت چهلمین روز کشته شدن تعداد زیادی از فرماندهان رده بالای سپاه پاسداران و دانشمندان اتمی جمهوری اسلامی توسط اسرائیل، از مخفیگاه خود پیام کوتاه دیگری منتشر کرد. او در پیام خود ضمن بلوف و خودستایی بی‌پایه گفت: "ایران اسلامی قوی است و روز به روز قوی‌تر خواهد شد به شرطی که غفلت نکنیم." او با اعتراف ضمنی به ضربه سنگین در اولین روز جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه جمهوری اسلامی، کشته شدگان را سرداران باکفایت و دانشمندان برجسته هسته‌ای نام برد که به آنچه خود برگزیده



بودند رسیدند و گفت: "گواراشان باد".

خامنه‌ای در آن پیام با فحش و بد و بیراهه به اسرائیل گفت: "این ضربه را گروه حاکم خبیث و جنایتکار صهیونیست که دشمن رذل و عنید ایران اسلامی است، وارد آورد. اما به هدف خود نرسید." البته او دو روز بعد از آتش بس اعلام شده از جانب ترامپ نیز از مخفیگاه خود وقیحانه ادعا کرده بود که: "در این جنگ، جمهوری اسلامی سلیلی محکمی به صورت آمریکا زده و رژیم صهیونیست زیر ضربات جمهوری اسلامی از پا در آمده و له شده است. اما خامنه‌ای با وعده اینکه آینده نشان خواهد داد که هر دو حرکت نظامی و علمی (هسته‌ای)، شتابنده‌تر از گذشته به سمت هدف خود پیش خواهند رفت. در نظر دارد به رغم فقر و فلاکتی که به زندگی کارگران و مردم زحمتکش ایران تحمیل کرده، بازهم امکانات مالی حکومت را در مسیر بازسازی تأسیسات اتمی و نظامی به کار اندازد تا بلکه بتواند "اسرائیل خبیث و رذل و عنید و جنایتکار را نابود نماید" تا به وظیفه دینی و اسلامی خود عمل کرده باشد.

البته هم خامنه‌ای و هم سپاه پاسداران یک ماه قبل و پس از اعلام آتش بس از جانب ترامپ نیز، در اوج ذلت و زبونی بر عزم خود بر نابودی اسرائیل

در سالهای گذشته شعله‌ور نگه داشتن مبارزات پیگیرانه‌ی انجمن‌های صنفی معلمان، کانون‌های مستقل بازنشستگان، انجمن کارگران ساختمانی، سندیکای خبازان، تشکل‌های زیست محیطی، اعتصاب کارگران شهرداری و مبارزات کمیته‌های کارگری در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها، ایجاد کانون‌های دفاع از حقوق کودکان، فعالیت‌های آوانگارد گروه‌های فرهنگی و هنری، کمک‌رسانی به حادثه دیدگان بلایای طبیعی، بستن جاده‌ها و سازماندهی اعتراضات خیابانی اردوی کار و زحمت علیه محرومیت و فقدان امکانات شهری و رفاهی، تشییع جنازه‌ی انقلابی جانباختگان، اعتراض علیه گرانی، بیکاری، کشتار کولبران، قتل‌های ناموسی، مبارزه علیه اعدام و شکنجه با هدف آزادی زندانیان سیاسی در پشت میله‌های زندان و کف خیابان، راه‌اندازی میتینگ‌های بزرگ سیاسی در حمایت از مبارزات مردم ستمدیده‌ی دیگر بخش‌های کردستان، برگزاری مناسبت‌های جهانی اول ماه مه، ۸ مارس، ۲۵ نوامبر و برگزاری مراسم‌های نوروزی آغاز سال نو بخشی از تاکتیک‌های پیشروی جنبش انقلابی کردستان بوده است.

جنبش انقلابی کردستان در جریان خیزش‌های سراسری دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ مانند جنبش انقلابی مردم در سایر نقاط ایران از تاکتیک اعتراضات شهری برای پیشبرد اهداف مترقی و آزادی‌خواهانه‌ی خود استفاده کرد. در جریان خیزش توده‌ای زن زندگی آزادی موسوم به قیام ژینا با توجه به شرایط انقلابی‌ای که بوجود آمده بود تاکتیک‌ها و ابتکارات مبارزاتی دیگری از جمله اعتراضات محله محور جوانان انقلابی، کمیته‌های توده‌ای دانش‌آموزان، و مبارزات تشکل‌های مستقل زنان و سازمان‌های دانشجویی نیز به شکل برجسته‌ای خود را نشان دادند. تاکتیک اعتصاب عمومی که پیشتر در تاریخ‌های ۱۶ مرداد ۱۳۸۴، ۲۳ شهریور ۱۳۸۹ و ۲۱ شهریور ۱۳۹۷ در کردستان با موفقیت انجام شده بود در جریان خیزش انقلابی سال ۱۴۰۱ دهها بار به شکل پیروزمندانه‌ای برگزار شد. یکی دیگر از تاکتیک‌های جنبش انقلابی کردستان پرورش کادرهای پیشرو و سوسیالیست، آگاهی بخشی طبقاتی، تبلیغ و ترویج در مسیر تقویت استراتژی سوسیالیستی برای رفع ستم ملی در مقابل راهکارهای فرصت‌طلبانه و تسلیم‌جویانه‌ی بورژوا-ناسیونالیستها بوده است. در پایان باید گفت که در هر برهه‌ی زمانی خاص، یکی یا چند تا از این تاکتیک‌ها بهتر از سایرشان، پیشروی جنبش انقلابی کردستان را تضمین و ممکن ساخته‌اند.

عامل اصلی بحران و قطعی مکرر برق در ایران

حداکثری، هیچ‌گونه سرمایه‌گذاری «معقول» نیست. از همین‌روست که دولت‌ها، برای جلب سرمایه، مجبور به آزادسازی قیمت‌ها، حذف یارانه‌ها و در نتیجه، اعمال فشار بیشتر بر طبقات کارگر و حاشیه نشین می‌شوند.

کشور مصر پس از پذیرش کامل اصلاحات اقتصادی نئولیبرالی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، با قطعی برق شدیدتر، فقر انرژی گسترده‌تر و حتی تبعیض بیشتر مواجه شد. خصوصی‌سازی در مصر منجر به واگذاری صنایع کلان به طبقه‌ای ممتاز، انجماد دستمزدها، کاهش مرخصی و حقوق ابتدایی کارگران و کاهش خدمات اجتماعی در کلیه زمینه‌ها شد. ایران نیز مدتهاست در مسیری مشابه، اما بدون حتی دستاوردهای محدود همان مدل گام نهاده است. در نظام سرمایه‌داری، انرژی در مرحله اول نه برای رفع نیاز انسانها، بلکه برای افزایش بهره‌وری و در همانحال تداوم بهره‌کشی تولید می‌شود. برق ارزان تنها تا جایی پذیرفتنی است که زمینه‌ساز تولید ارزان و استثمار بیشتر باشد. در غیر این صورت، قیمت آن مطابق نیاز طبقه حاکم افزایش می‌یابد. دستمزد پایین کارگران، همزمان با افزایش تعرفه برق و بنزین، نشان‌دهنده هم‌آهنگی ساختار مزد و مصرف در مسیر حفظ نرخ سود سرمایه‌داری است.

حتی در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری چون آلمان و آمریکا، فقر انرژی به مسئله‌ای جدی تبدیل شده است. در آمریکا حدود ۲۳ درصد از خانواده‌ها توان پرداخت قبض برق را ندارند. بنابراین، مشکل نه در مدل‌های مختلف سرمایه‌داری، بلکه در منطق درونی خود نظام سرمایه‌داری است که در پی سود، نیاز انسانی را به حاشیه می‌راند این همان منطقی است که در پورتوریکو و مصر و حالا در ایران، باعث گسترش خاموشی، اعتراضات خیابانی و سقوط معیشت مردم شده است. تنها پاسخ‌رهای بخش، نه دولتی‌سازی در معنای بورژوازی، بلکه اجتماعی‌سازی صنعت برق تحت حاکمیت مستقیم کارگران و زحمتکشان و فرودستان جامعه است. سرمایه‌داری تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی یا هر رژیم غیر دینی هم که باشد توان پاسخ‌گویی به نیازهای یک زندگی انسانی را ندارد، زیرا تولید را نه بر اساس پاسخگویی به نیاز انسان‌ها، بلکه بر اساس نرخ سود سامان می‌دهد.



قطعی مکرر برق در ایران تنها یک اختلال فنی یا پیامد افزایش مصرف نیست؛ بلکه تجلی بحران و فرسودگی و ویرانی زیرساخت‌های یک نظام اقتصادی-اجتماعی مبتنی بر منطق انباشت سرمایه و نفع‌طلبی طبقه سرمایه‌دار است. این پدیده را نیز باید در بستر تضادهای درونی و منطق غیرانسانی سودجویی نظام سرمایه‌داری تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی تحلیل کرد. آنچه به‌عنوان «ناترازی برق» مطرح می‌شود، در واقع نقاب ایدئولوژیک برای پنهان‌سازی مسئولیت رژیم اسلامی در ایجاد نابرابری در بهره‌مندی از انرژی و سرکوب معیشت زحمتکشان است.

برق به‌عنوان یک نیاز حیاتی اجتماعی، تحت سلطه نظام سرمایه‌داری و رژیم جمهوری اسلامی به کالایی بدل شده که دسترسی به آن به درآمد و جایگاه طبقاتی وابسته است. این فرایند «کالایی‌سازی انرژی»، زحمتکشان را نه تنها از بهره‌مندی از خدمات اجتماعی، بلکه از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی نیز محروم ساخته است. افزایش تعرفه‌ها، قطع برق مناطق فقیرنشین و در عین حال تأمین برق بدون وقفه برای محلات و مراکز محل سکونت طبقات دارا، نشانگر این واقعیت است. تحمیل سیاست‌های تعدیل ساختاری و خصوصی‌سازی از دهه ۷۰ شمسی و از دوره رفسنجانی تاکنون، نه تنها کمکی به توسعه زیرساخت تولید و انتقال برق نکرده، بلکه موجبات فروپاشی آن را فراهم ساخته است. با عقب‌نشینی دولت از سرمایه‌گذاری، نیروگاه‌ها یا به دست شرکت‌های خصوصی سپرده شدند یا رها شدند تا به ورطه نابودی کشیده شوند. نتیجه آن، رشد ناچیز ظرفیت نیروگاهی، انباشت بحران و تسلط نهادهای رانتی بر صنعت برق بوده است.

در ایران، دو دهم درصد از مشترکان (عمدتاً ماینرها و صنایع انرژی‌بر) ۷ درصد برق کشور را مصرف می‌کنند، حال آنکه برق مناطق جنوب تهران روزانه بیش از ۵ ساعت قطع می‌شود. همان‌طور که در مصر هم دیده شد، حاشیه‌نشینان نخستین قربانیان خاموشی برق هستند، چرا که منطق سرمایه‌داری، برق را نه برای رفع نیاز انسان، بلکه برای سود بیشتر تولید می‌کند. پرسش کلیدی این است: چرا سرمایه‌داری در ایران تمایلی به ورود به صنعت برق ندارد؟ پاسخ ساده است: چون برای ساخت نیروگاه‌های پیشرفته تجهیزات از خارج باید وارد شوند و مسئله تحریم‌ها و نوسانات نرخ ارز ریسک سرمایه‌داری را در این زمینه بالا می‌برد. از سوی دیگر نرخ سود سرمایه پایین و قیمت فروش برق یارانه‌ای است. از نگاه سرمایه‌دار، بدون تأمین امنیت سرمایه و تضمین سود

و متضاد هستند. از قرار معلوم مردم آسیب دیده و متنفر از دروغ‌پرازی و جعل وقایع و اخبار جنگ از سوی خامنه‌ای و دیگر کارگزاران رژیم، کوتاه نیامده‌اند و جوانب مختلف شکست مفتضحانه جمهوری اسلامی را همچنان مورد بحث و تحلیل و ارزیابی قرا می‌دهند. بنابراین شکی نیست که تصویب این لایحه برای ایجاد فضای ترس و وحشت در جامعه و تشدید سرکوب خبرنگاران مستقل و مردم معترض و وادار کردنشان به سکوت در مقابل آن می‌باشد. اما تصویب این لایحه با این تعجیل، در همان حال نشانه ترس و وحشت رژیم جمهوری اسلامی از بروز اعتراضات توده‌ای در جامعه است.

آنهم در شرایطی که اعتصاب و اعتراضات کارگران و دیگر اقدار جامعه که با شروع حملات اسرائیل موقتاً فروکش کرده بود، مجدداً از سر گرفته شده است و رژیم جمهوری اسلامی را برای تحقق خواسته‌های خود تحت فشار بیشتری قرار داده‌اند. اما رژیم ورشکسته جمهوری اسلامی که قادر به تأمین خواست و مطالبات آنان نیست، می‌خواهد با تصویب چنین لایحه‌ای و با اتکا به سرکوب و زندان و شکنجه آنان را ساکت نماید، این خیال باطلی است. در چنین شرایطی طی روزهای گذشته همه مقامات جمهوری اسلامی حتی پزشک‌ها و عراقچی نیز بر طبل تداوم غنی‌سازی اورانیوم در داخل می‌کوبند. چنین به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی برای تداوم بقای خود به ادامه شرایط جنگی و حتی بروز جنگ دیگری نیازمند است.

اما در حالی که مراکز و نهادهای مالی اخیراً بر تشدید بحران اقتصادی جمهوری اسلامی تأکید کرده‌اند و اظهار می‌دارند که هزینه سبد معیشت یک خانواده به بالای ۴۷ میلیون تومان رسیده است، رژیم نمی‌تواند کارگران و دیگر اقدار تهیدست جامعه را از اعتصاب و اعتراض به عنوان تنها سلاح دفاع از خود، منصرف نماید و مانع فوران خشم خروشان آنان برای سرنگونی انقلابی این رژیم جنایتکار گردد.



کارزار "سه شنبه‌های نه به اعدام" در هشتادمین هفته حمایت از این کارزار را هر چه بیشتر گسترش دهیم!

درد می‌فرستیم. از کلیه کسانی که درد و رنج زندانیان را انعکاس داده و می‌دهند، تشکر و قدردانی می‌کنیم. کارزار سه شنبه‌های نه به اعدام در این بیانیه اعلام کرده که: «هدف از تشدید اعدام، سرکوب، بریدن دست، و اعمال خشونت عریان و بی‌وقفه، چیزی جز تزیین رعب و ترس و به سکوت کشاندن جامعه نیست؛ جامعه‌ای که از انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵ تاکنون، تشنه عدالت و آزادی است و بر کرامت انسانی و حق تعیین سرنوشت خود پای فشرده و هر روز بهای آن را با زندان، اعدام و شکنجه داده و می‌دهد». کارزار همچنین از همه وجدان‌های بیدار و آزادی‌خواه - چه در داخل و چه در سطح بین‌المللی - درخواست کرده که فریاد «نه به اعدام» را با حمایت فعال از کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام»، هر چه بلندتر کنند. گسترش این کارزار را - علیرغم تلاش حکومت و حامیان آشکار و پنهانش - با تمام امکانات در دستور کار خود قرار دهند. کارزار سه شنبه‌های نه به اعدام در پایان اعلام کرده که روز، سه‌شنبه ۱۴ مرداد، یاران ما در بند امن و بند ویژه قزلحصار با ۴۸ زندان عضو کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» در اعتصاب غذا هستند.

۴ قزلحصار اعلام کرده است. در این بیانیه آمده است: «هشتادمین هفته از کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» را در حالی آغاز می‌کنیم که از هفته گذشته تاکنون، دست‌کم ۳۰ تن از زندانیان - شامل دوزن - اعدام شده و یک اعدام نیز در ملاء عام به اجرا درآمده و چرخه خشونت و اعدام بی‌وقفه ادامه دارد. در هفته گذشته همچنین در یک اقدام به‌غایت وحشیانه و ضدانسانی، با قطع انگشتان دست سه زندانی در زندان ارومیه مواجه بودیم. عفو بین‌الملل در اطلاعیه‌ای این اقدام را به شدت محکوم کرد و قوه قضائیه را «چرخ‌دنده ماشین شکنجه» نامید. گزارشگر ویژه، خانم مای ساتو، آن اقدامی «غیرانسانی و تحقیرآمیز» دانست.»



در این شرایط که رژیم جمهوری اسلامی در بحران عمیق اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیک و حکومتی دست و پا می‌زند و توانایی تأمین حداقل‌های زندگی، نان و آب و برق و حتی هوای پاک برای نفس کشیدن را ندارد، اما شمشیر را از رو بسته و هر روز اعدام می‌کند، باید به هر شکلی که می‌توانیم از کارزار «نه به اعدام» حمایت کنیم. فعالین و رهبران جنبش کارگری، جنبش زنان و دیگر جنبش‌های پیشرو اجتماعی و اعتراضی لازم است توانایی و ظرفیت‌های خود را در راستای سراسری کردن اعتصابات کارگری و اعتراضات توده‌ای جهت زمین گیر کردن ماشین اعدام و سرکوب حکومتی بکار گیرند. اعتراض علیه اعدام و قتل عمد دولتی فارغ از اینکه این مجازات جهت نابودی زندانیان سیاسی صورت گیرد و یا مجرمین عادی در بند، وظیفه تمام انسان‌هایی است که افق‌رہائی را در فردای سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی نوید می‌دهند. کمونیست‌ها با صراحت اعلام می‌کنند که خواهان لغو مجازات اعدام هستند و برای برچیدن مجازات اعدام قاطعانه مبارزه می‌کنند.

«هشتادمین هفته کارزار را در شرایطی آغاز می‌کنیم که هنوز از سرنوشت شماری از اعضای کارزار در واحد ۴ زندان قزلحصار خبری نداریم. آنان در تاریخ ۴ مرداد، با یورش وحشیانه گارد و مأموران امنیتی به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفته و به سلول‌های انفرادی بند امن واحد ۳ منتقل شدند. تعدادی از آنان پس از ۵ روز به بند بازگردانده شدند، بند سیاسی کاملاً امنیتی و در بسته است و دوربین‌های متعددی آنجا نصب کرده‌اند. از سرنوشت پنج تن از آنان لقمان امین‌پور، حمزه سواری، رضا سلمان‌زاده، سپهر امام‌جمعه، مصطفی رضائی بی‌اطلاع هستیم. زرتشت احمدی راغب مجدداً به بند امن منتقل شده است. وضعیت سعید ماسوری بسیار نگران‌کننده است و تنها می‌دانیم که زندان زاهدان از پذیرش این عضو کارزار خودداری کرده و وی هم اکنون در سلول انفرادی بند ویژه واحد یک زندان قزلحصار در وضعیت سخت و در بلا تکلیفی بسر می‌برد. ما، اعضای کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام»، ضمن محکوم کردن حمله وحشیانه به زندانیان و آزار و شکنجه آنان، بر مقاومت و ایستادگی یاران سر به‌دار و مبارز خود

مجازات اعدام قتل سازمانیافته دولتی است، فارغ از اینکه این جنایت کجا و به دست چه رژیمی انجام می‌گیرد. سران حکومت اسلامی سرمایه‌داران صدور احکام اعدام و جنایات خود را تحت عنوان دفاع از امنیت عمومی، جلوگیری از ارتکاب به جنایت و تأمین حقوق شهروندان، انجام می‌دهند. در حالیکه تجربه همه کشورهای جهان نشان داده است که وجود این مجازات نه تنها اثر بازدارنده نداشته، بلکه با ترویج روح خشونت در جامعه و کاهش حرمت انسان‌ها، آنرا تشدید کرده است. سران رژیم اسلامی برای قتل عمد و سازمان یافته‌ای که اعمال می‌کنند، قوانینی تنظیم کرده‌اند، قضاتی برگمارده و جلالدانی را به مثابه مجری حکم برگزیده‌اند. تنظیم این قوانین و تأمین هزینه ارگانهای صدور و اجرای حکم اعدام از جیب جامعه برای آنان کم هزینه‌تر از درمان معضلات و نابسامانی‌های اجتماعی است که موجب ارتکاب جرم و جنایت می‌باشد. در واقع رژیم جمهوری اسلامی با اعمال مجازات اعدام اوج در ماندگی و استیصال خود را در قبال ریشه کن کردن جرم و جنایت و نابسامانی‌های اجتماعی به نمایش می‌گذارد. بدیهی است مناسباتی که وسیله دفاعی جلا باشد، حرمتی برای شأن انسان قاتل نبوده و نابودی فیزیکی مخالفین را امری عادی و دفاع از حرمت و حقوق و امنیت شهروندان جلوه می‌دهد. کارنامه جمهوری اسلامی بیان اوج این توحش است.

تداوم موج اعدام‌ها بیانگر این واقعیت است که رژیم برای بقا خود راهی جز تکیه بر سرکوب، اعدام و شکنجه ندارد. این رژیم رمز بقای خود را در تکیه بر استراتژی سرکوب می‌داند. حتی زمانی که مجرمین عادی را اعدام می‌کند، قصدش ارباب جامعه و ارباب مخالفین سیاسی نظام و بویژه آنانی است که مصمم هستند این رژیم را به شیوه انقلابی به پائین بکشند. اما با همه سببیت و وحشیگری که رژیم از خود نشان می‌دهد، آن چیزی که آشکار است این واقعیت است که موج اعدام و سرکوب جامعه را مرعوب نکرده و مبارزه علیه مجازات اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی هر روز گسترش می‌یابد.

کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» در هشتادمین هفته، و در ۴۸ زندان مختلف، طی اطلاعیه‌ای به تاریخ ۱۴ مرداد ۱۴۰۴ ضمن گرامی‌داشت ۱۱۹ امین سالگرد انقلاب مشروطه؛ حمایت کامل خود را از زندانیان سیاسی واحد

اعضا، هواداران و دوستان حزب کمونیست ایران و کومه‌له! مردم آزاده و مبارز!

ما برای ادامه کاری فعالیت‌هایمان به کمک مالی شما نیازمندیم! تلویزیون کومه‌له و حزب کمونیست ایران با پشتیبانی و کمک مالی شما قادر خواهد بود با کیفیت بهتر و در شبکه‌های قابل دسترس‌تر، فعالیت‌هایش را در راستای اهداف سوسیالیستی برای تحقق زندگی‌ای شایسته انسان پیش ببرد! ما را در این راه یاری رسانید و به هر طریق و شکلی که برایتان مقدور است کمک‌های مالی خود را به تشکیلات‌های ما در هر محلی که هستید برسانید.



**کمک مالی به
حزب کمونیست
ایران و کومه‌له**

کشتار ۶۷ برگی از تاریخ پر از جنایت حکومت اسلامی

جنبش دادخواهی علیه جنایات جمهوری اسلامی را گسترش دهیم!

دادخواهی حمید نوری، دادیار سابق زندان گوهردشت و یکی از مزدوران جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی به جرم دست داشتن در کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ در دادگاه استکهلم به حبس ابد محکوم شد، دستاوردی که حتی تحویل دادن این جنایتکار به جمهوری اسلامی در جریان یک معامله کثیف از اهمیت آن کم نمی کند. امروز تحت فشار جنبش دادخواهی مردم ایران حتی کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل نیز نمی توانند بیش از این روی این جنایت هولناک رژیم اسلامی سرپوش بگذارند. بدون تردید ثبت کشتار زندانیان سیاسی به عنوان جنایت رژیم جمهوری اسلامی علیه بشریت، تکرار آن در جهان را مشکل تر می کند.

جنبش دادخواهی علیه جنایات جمهوری اسلامی یک ضرورت مبارزه با این رژیم جنایتکار است و لازم است تداوم یابد. جنبش مادران جانبختگان خاوران به رغم فشار بی امان سرکوب، برگزاری مراسم هر ساله گرامیداشت قربانیان این فاجعه، کار و فعالیت های پژوهشی برای روشن کردن ابعاد ناشناخته این فاجعه، برگزاری دادگاههای نمادین، آکسیون ها و کمپین های تبلیغی در سالگرد این جنایت و... همه و همه اینها لازم است تا سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی ادامه یابند. اکنون که به سومین سالروز جنبش انقلابی ژینا نزدیک می شویم بیش از پیش برای زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب ایران روشن شده است که تا زمانی که رژیم جمهوری اسلامی به زیر کشیده نشده است و سران جنایتکار آن در دادگاه مردم زجر کشیده ایران به محاکمه کشیده نشده اند، نباید انتظار دادخواهی داشت. بنابراین لازم است که جنبش دادخواهی مادران خاوران و مادران جانبختگان با جنبش اعتصابی کارگران و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی و اعتراض تهیدستان شهری پیوند بخورد.

کارگران و مردم ایران عوامل مستقیم و غیر مستقیم، مجریان و تأیید کنندگان این جنایت را نه فراموش می کنند و نه می بخشند.

یاد جانبختگان قتل عام سال ۶۷
همیشه زنده و گرامی است.



رژیم اسلامی مطلع شدند. به دنبال این جنایت رژیم هزاران تن از زندانیان اعدام شده در گورهای جمعی در گورستان خاوران دفن کرد، اما این پروژه همزمان در دیگر مناطق ایران و از جمله در کردستان نیز به اجرا درآمد به طوری که امروز در حقیقت نه از گلزار خاوران، بلکه از گلزارهای خاوران در سراسر ایران باید سخن گفت.

در زمان و قوع کشتار خونین ۶۷، دولت های اروپا و آمریکا و کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل نه تنها به این کشتار اعتراض نکردند بلکه به طور محرمانه بر آن مهر تأیید زدند. رسانه های به اصطلاح آزاد قدرت های امپریالیستی آگاهانه بر فاجعه کشتار هزاران نفر از زندانیان سیاسی سرپوش گذاشتند. دولت های غربی این



مدافعین دروغین حقوق بشر که سیاست یاری رساندن به تثبیت حاکمیت رژیم اسلامی در پیش گرفته بودند، دست سران رژیم در انجام این کشتار را باز گذاشتند. آنان پس از وادار کردن سران رژیم به قبول شکست در جنگ ایران و عراق و سر کشیدن جام زهر، به حکام اسلامی ایران چراج سبز دادند که برای ممانعت از خیزش های انقلابی و امن کردن ایران برای استعمار و چپاول سرمایه داری جهانی، می توانند دست به هر جنایتی بزنند. به همین دلیل سازمان ملل که کلپ بین المللی این قدرت های سرمایه داری است در مورد این جنایت خونین سیاسی، خفقان گرفت و در خفا مهر تأیید بر آن کوبید. این روزها در سی و هفتمین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی، به همت مبارزین سیاسی و نجات یافتگان از قتل گاههای اوین، رجایی شهر، عادل آباد، دیزل آباد و زندان سنندج و جاهای دیگر، و به همت جنبش دادخواهی مادران خاوران و مردم آزادیخواه ایران، پرونده جنایات جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگری مورد توجه افکار عمومی جهان قرار گرفته است. تحت فشار جنبش

ماههای مرداد و شهریور یادآور یکی از جنایات هولناکی است که در دوران حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، انجام گرفته است. ۳۷ سال پیش در ماههای مرداد و شهریور سال ۱۳۶۷ رژیم اسلامی دست به جنایتی زد که هم اکنون نیز آثار و اسناد آن شاهد زنده ای بر قضاوت و درنده خویی مقامات رژیم اسلامی هستند. خمینی و مشاوران اصلی اش رفسنجانی، خامنه ای و روحانی که نگران گسترش اعتراضات کارگران و مردم ایران بعد از شکست زبونانه رژیم در جنگ ارتجاعی با عراق بودند، با هدف مرعوب کردن مردم به جان آمده از جنگ و فلاکت اقتصادی، برای کشتار زندانیان برنامه ریزی کردند.

به گفته علی رازینی رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح در آن سالها فرمان کشتار جمعی زندانیان در سال ۶۷ یکی از چند اقدام مهم خمینی در اواخر عمرش بوده که به گفته او "مسیر آتی حرکت حکومت" را روشن کرده است. پروژه قتل عام و کشتار زندانیان سیاسی در زندانهای ایران از روز جمعه ۲۸ تیر ماه سال ۱۳۶۷ تنها یک روز بعد از سرکشیدن جام زهر و پذیرش آتش بس در جنگ ارتجاعی ایران و عراق و بر اساس فرمان خمینی رهبر رژیم اسلامی آغاز شد. در این روز ارتباط زندانهای اصلی ایران با دنیای خارج به تمامی قطع شد و طی حدود دو ماه جنایتی رقم خورد که جامعه ایران را تا سالها در اندوهی مرگبار فرو برد. بر اساس فرمان خمینی، هیئت ویژه ای که بعدها به هیئت مرگ شهرت پیدا کرد، مرکب از مرتضی اشراقی (دادستان وقت)، ابراهیم رئیسی (معاون وقت دادستان)، حسینعلی نیری (حاکم شرع وقت) و مصطفی پورمحمدی (نماینده وقت وزارت اطلاعات در زندان اوین) تشکیل و مسئول اجرای پروژه کشتار زندانیان سیاسی شدند.

در آن روزها دستگاه کشتار و جنایت رژیم اسلامی هزاران زندانی با گرایشات مختلف سیاسی را به جوخه مرگ سپرد. منتظری در کتاب خاطرات خود با استناد به گزارش های دریافتی تعداد آنها را ۲۸۰۰ تا ۳۸۰۰ نفر ذکر کرده است و بر اساس برخی گزارشها بین ۵ تا ۶ هزار انسان مبارز در این جنایت هولناک جانشان را بر سر ایستادگی بر عقاید و باورهایشان از دست دادند. رژیم تنها پس از ۴ آذر ماه همان سال خانواده های قربانیان را در جریان اعدام آنان قرار داد و پس از این تاریخ بود که مردم ایران از وقوع این جنایت علیه بشریت در زندانهای

سایت تلویزیون کومه له

www.tvkomala.com



سایت کومه له

www.komalah.org



سایت حزب کمونیست ایران

www.cpiran.org



از سایت های حزب

کمونیست ایران

و کومه له

دیدن کنید!

اطلاعیه نمایندگی کومه له

به مناسبت درگذشت

رفیق احمد اسپری

با اندوه فراوان رفیق احمد اسپری مشهور به "احمد گرد نه لین" پیشمرگ قدیمی و عضو حزب کمونیست ایران و کومه له ساعت ۱۲ شب گذشته بیستم ژوئیه ۲۰۲۵ برابر با ۲۹ تیر ماه ۱۴۰۴ بعد از یک دوره طولانی بیماری و مبارزه با سرطان در سن ۶۴ سالگی در شهر وستروس در کشور سوئد قلب مهربان و پر از شور مبارزاتی اش از طیش باز ایستاد و زندگی را بدرود گفت.

رفیق احمد در یازدهم دی ماه ۱۳۳۹ در خانواده ای زحمتکش در روستای "گرد نه لین" از توابع پیرانشهر چشم به جهان گشود. او تمام دوران کودکی و نوجوانی اش را همراه خانواده اش به کار کشاورزی مشغول بود و زندگی اش با رنج و ناداری و عدم بر خورداری از کمترین نیاز های زندگی سپری شد، بنابراین بسیار زود به وجود نابرابری و شکاف طبقاتی آگاهی پیدا کرد و چاره را در مبارزه با حاکمیت و سیستم موجود یافت.

رفیق احمد در سال ۱۳۵۷ فعالانه برای سرنگونی سیستم پادشاهی مبارزه کرد. به زودی به ماهیت ارتجاعی، سرکوبگر و جنایتکار جمهوری اسلامی پی برد و طولی نکشید که به این نتیجه رسید که برای رسیدن به مطالبات و آرمان هایش باید در صفوف کومه له به مبارزه بپردازد. او در سال ۱۳۵۹ به تشکیلات کومه له پیوست و بعد از دوره ای کوتاه چون رفیقی قابل اعتماد، دلسوز و کارا در میان رفقای پیشمرگ شناخته شد و برای مهمترین و پر خطرترین وظایف و مسئولیت های تشکیلاتی انتخاب می شد. رفتار متین و انسانی رفیق احمد با مردم نیز، او را به پیشمرگی هوشیار و مورد اعتماد مردم تبدیل کرده بود.

در سال ۱۳۶۳ بعد از تصرف پایگاه های مزدوران رژیم در روستاهای "رشته دی" و "گونای" در ناحیه ی مریوان نیروهای رژیم برای جبران شکست شان، با نیروی زیادی متشکل از گروه ضربت و پاسداران به مواضع نیروهای پیشمرگ در بلندی های "رشته دی" یورش بردند. این رفیق جسور و فداکار در جریان پیشروی برای در هم شکستن نیروهای رژیم مورد اصابت گلوله ی مزدوران قرار گرفت و به سختی زخمی شد و به دلیل جدی و عمیق بودن ضایعات ایجاد شده در بدنش برای معالجه به کشور سوئد اعزام شد. زخم های رفیق ترمیم یافتند، اما عوارض صدمات ایجاد شده تا پایان زندگی موجب درد و اختلال حرکتی رفیق احمد عزیز را موجب شد، بگونه ای که نمی توانست ان چنانکه می خواهد فعال باشد. با این حال هیچ گاه باور به آرمان های سوسیالیستی و انسانی اش را از یاد نبرد و تا آخرین لحظات زندگی اش وفا دارانه و با امید به تحقق جامعه ای انسانی چشم از جهان فرو بست.

نمایندگی کومه له در خارج کشور در گذشت این انسان انقلابی، جسور، مهربان و متواضع را به همسر عزیزشان، خانواده، رفقا و دوستانش و اهالی "گرد نه لین" تسلیت گفته و خود را در اندوه عمیق شان شریک می داند.

یاد بسیار عزیزشان گرامی و راهشان پر رهرو باد.
نمایندگی کومه له در خارج کشور
۲۹ تیر ۱۴۰۴

لایحه ضد حقیقت و منطق جنگ دائمی جمهوری اسلامی با مردم

جنگی که مشروعیت و اعتبار رژیم را بیش از پیش به زیر سوال برده و بحران درونی آن را نیز تشدید کرده است. پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و روانی این جنگ، هراس از انفجارهای اجتماعی، حاکمیت را به سوی نوعی عقب نشینی تاکتیکی سوق داده است. بخشی از حاکمیت آگاه است که ادامه ی سیاست مشت آهنین می تواند، همان انسجام شکننده ای را که به سختی حفظ کرده اند، به نقطه ی فروپاشی برساند.

جمهوری اسلامی در یکی از حساس ترین دوران حیات خود قرار گرفته است. از یک سو، بحران های داخلی تشدید شده اند و ابعاد فقر و فلاکت اقتصادی، تعمیق شکاف بین فقر و ثروت و ابعاد تبعیض ها و بی حقوقی ها خشم و اعتراض مردم را به مرز انفجار رسانده است و از سوی دیگر تهدیدها و فشارهای کنترل شده قدرت های امپریالیستی برای رام کردن رژیم اسلامی در راستای نظم منطقه ای مورد نظرشان، سران رژیم را در موقعیتی قرار داده است تا بین تشدید سرکوب در داخل و مذاکره و سازش با قدرت های خارجی تعادلی برقرار کنند. در چنین شرایطی وظیفه ی فعالان و رهبران چپ و رادیکال و سوسیالیست جنبش کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی دامن زدن و گسترش جنبش های اجتماعی و اعتراضی در درون جامعه است.

تنها با دامن زدن و گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری، مبارزات زنان، دانشجویان، دادخواهان و گسترش جنبش مبارزه علیه حکم اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی است که می توان زمینه تکامل این جنبش ها در عرصه سازمانیابی و شکل دادن به رهبری سراسری را فراهم آورد. جنبش های اجتماعی و اعتراضی در داخل و آن نیروی چپ اجتماعی که همه به وجود آن اعتراف می کنند، از این مسیر است که می توانند، هم با ماشین سرکوب رژیم هار جمهوری اسلامی مقابله و آن را زمینگیر کنند و هم راه را بر سناریوهای رژیم چنچی و دست به دست شدن قدرت سیاسی از بالای سر کارگران و زحمتکشان و مردم آزاده ایران با دخالت قدرتهای امپریالیستی بگیرند.



تنها دو روز پس از تصویب شتاب زده لایحه دو فوریتی «مقابله با انتشار محتوای خلاف واقع در فضای مجازی»، هیئت دولت جمهوری اسلامی، زیر فشار خشم افکار عمومی، آن را پس گرفت. بنابه گفته ی سخنگوی دولت « این عقب نشینی با تأکید رئیس جمهور و در راستای حفظ انسجام ملی صورت گرفت». اما حقیقت فراتر از واژگان دیپلماتیک و بازی های سیاسی است، آنچه می بینیم، هم تصویب و هم استرداد لایحه، بخشی از استراتژی بقاء حکومتی است که در وضعیت جنگی دائمی علیه مردم به سر می برد.

این لایحه با عنوانی فریبنده، همان هدفی را دنبال می کرد که در سال های اخیر به واسطه ی دیگر طرح ها، قوانین و اقدامات امنیتی دنبال شده است. سرکوب آزادی بیان، کنترل روایت ها و حذف فیزیکی یا مجازی صداهای منتقد همواره بخشی از استراتژی بقای جمهوری اسلامی بوده است. هدف این لایحه هم جلوگیری از انتشار «دروغ» نبود، بلکه خاموش کردن حقیقت و ساکت کردن هر گونه روایت بدیل بود. لایحه ای که فعالان، روزنامه نگاران، کاربران شبکه های اجتماعی و حتی شهروندان عادی را هدف می گرفت، بخشی از ماشین جنگی نظام اسلامی علیه جامعه و توده های معترض است. در منطق طبقه حاکم، هر سخن انتقادی یا روایت متفاوتی، تهدیدی برای امنیت ملی تلقی می شود. لایحه هایی از این دست همانند اعدام ها، بازداشت های گسترده، پست های بازرسی خیابانی و کنترل فضای مجازی، اجزای مکمل یک وضعیت جنگی دائمی هستند که در آن رژیم جمهوری اسلامی با مردم آزاده ایران همچون دشمن می جنگد.

باز پس گرفتن این لایحه نشانه ای از هراس رژیم و حرکتی تاکتیکی برای جلوگیری از انفجار خشم و اعتراض توده ای بود. حاکمیت در ارزیابی های خود به این نتیجه رسیده که همزمان با تشدید سرکوب، با این مانورهای سیاسی و عوامفریبانه افکار عمومی را به انحراف برده و از فروپاشی ساختار سرکوب جلوگیری کند. درست به همین دلیل، پس گرفتن لایحه، نه به معنای توقف سرکوب، بلکه نشانه ای از تلاش برای مدیریت بهتر آن است. رژیم جمهوری اسلامی در شرایطی این عقب نشینی را انجام داد که تنها چند هفته از پایان جنگ دوازده روزه گذشته،